

شماره ۵ تیر ۱۳۹۲

خبرنامه

# شبکه جهانی مقابله با بیابانزایی

ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک



**Cenesta**  
Centre for Sustainable Development







## Drynet Newsletter Issue 5 June 2013

### A Global Initiative Giving Future to Drylands

#### فهرست مطالب

##### اخبار جهانی

- یازدهمین کنفرانس اعضاء کنوانسیون مقابله با بیابانزایی ملل متحد
- سال جهانی همکاریهای آب
- کناره گیری دولت کانادا از عضویت در کنوانسیون
- نشست سالانه «شبکه جهانی مقابله با بیابانزایی»
- سه رویداد مهم کنوانسیون مقابله با بیابانزایی
- «شبکه جهانی مقابله با بیابانزایی» و سه نشست اخیر کنوانسیون مقابله با بیابانزایی

##### اخبار ملی - منطقه ای

- کارگاه منطقه ای همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی با استراتژی ده ساله کنوانسیون
- پنجمین نشست کارگروه ملی مقابله با بیابانزایی
- کارگاه آموزش تسهیل گری
- ثبت تشکل کانون شترداران بومی کویرنوردان
- روز جهانی مقابله با بیابانزایی

##### گزارش ها و مقاله ها

- ضرورت همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی با استراتژی ده ساله کنوانسیون
- برنامه های ج.ا.ا. در همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی با استراتژی ده ساله کنوانسیون

- هدف کنوانسیون مقابله با بیابانزایی: توقف کامل و «به صفر رساندن تخریب سرزمین» تا سال ۲۰۳۰
- اولین کارگاه منطقه ای «ظرفیت سازی مدیریت مشارکتی در فرآیند همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی» در استان فارس
- میزگرد چالش های منابع طبیعی در ایران - مناظره دولتی ها و غیردولتی ها بر سر منابع طبیعی ملی
- مهندسی زمین: فرصت و یا تهدید؟
- معرفی کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی
- تالابها در بستر مرگ مسوولان در انتظار جنازه!
- گفتگو با دکتر علیرضا حامدی
- برخی از بحرانهای زیست محیطی در ایران، گفتگو با دکتر اسماعیل کهرم

#### موسسه توسعه پایدار و محیط زیست

تهران، خیابان آذربایجان، تقاطع ۱۲  
فروردین، پلاک ۱۰۸ - کد پستی ۱۳۱۶۹

تلفن: ۶۶۴۵۲۷۴۱

دورنگار: ۶۶۴۰۰۸۱۱

وبسایت: [www.cenesta.org](http://www.cenesta.org)

Cenesta



## اخبار جهانی

### یازدهمین کنفرانس اعضای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی ملل متحد (COP11)



کشور آفریقایی نامیبیا امسال میزبان برگزاری یازدهمین کنفرانس اعضای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی ملل متحد (UNCCD/COP11) خواهد بود. محل برگزاری این کنفرانس شهر ویندوک (Windhoek) پایتخت کشور نامیبیا و تاریخ برگزاری آن ۲۵ شهریور تا ۴ مهر ۱۳۹۲ (۱۶ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳) خواهد بود.

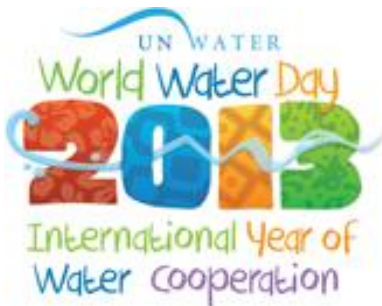
دستور کار این کنفرانس، ارزیابی نتایج حاصل از دومین و سومین کنفرانس علمی کنوانسیون و بررسی پیشرفت کشورها پس از گذشت نیم دهه از تصویب استراتژی ده ساله کنوانسیون (۲۰۰۸-۲۰۱۸) خواهد بود. نشست‌های تخصصی این اجلاس، بر موضوع‌های محوری فرایند تامین منابع مالی، مکانیسم تبادل دانش و بروندهای کنفرانس ریو+۲۰ در خصوص تخریب سرزمین، بیابانزایی و خشکسالی (DLDD) تمرکز خواهد نمود. شعار مورد تاکید این کنفرانس «کنوانسیون مقابله با بیابانزایی، ابزاری توانمند برای به

صفر رساندن تخریب سرزمین» می‌باشد. این رویداد با برجسته کردن پیشرفت کشورهای عضو در دستیابی به اهداف استراتژی ده ساله کنوانسیون در پنج سال اول این استراتژی (۲۰۱۳-۲۰۰۸)، آنها را در اجرای هر چه موفق تر اقدام‌های آتی در طول نیمه دوم استراتژی (۲۰۱۸-۲۰۱۳) تشویق خواهد نمود. این امر بازتابی از چشم انداز کنوانسیون در دستیابی به هدف‌های کنفرانس ریو+۲۰ در زمینه کاهش تخریب سرزمین، مقابله با بیابانزایی و کاهش اثرات خشکسالی می‌باشد. برای اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی زیر مراجعه شود:

<http://www.unccd.int/en/about-the-convention/the-bodies/the-cop/cop11/Pages/default.aspx?HighlightID=215>

### سال ۲۰۱۳، سال همکاری‌های آب نام‌گذاری شد.

نظر به اهمیت روزافزون تامین منابع آب شیرین که به عنوان یکی از چالش‌های ۴ گانه اصلی محیط زیست شناسایی شده



است، سازمان ملل سال ۲۰۱۳ را در روز ۱۱ فوریه در مقر یونسکو «سال همکاری‌های آب»

نام‌گذاری نمود. شعار آن هم عبارتست از: آب همه جا خواهد بود، اگر تشریک شود.

تصمیم دولت کانادا را تاسف بار خواند. شایان ذکر است که این معاهده دارای ۱۹۵ کشور عضو می باشد.



### شعار روز جهانی مقابله با بیابانزایی در سال ۲۰۱۳

شعار روز جهانی مقابله با بیابانزایی ۲۰۱۳ که در روز ۱۷ ژوئن مصادف با ۲۷ خرداد ماه برگزار میشود، انتخاب شد. «تگذاریم آیندهمان آینده امان خشک شود».



### نشست سالانه «شبکه جهانی مقابله با بیابانزایی» (دراینت - Drynet)

استانبول، ترکیه، ۸ الی ۱۱ اسفند ماه ۱۳۹۱



نشست سالانه شبکه جهانی مقابله با بیابانزایی (دراینت، Drynet) در اسفند ماه ۱۳۹۱، با میزبانی سازمان غیردولتی «تِما» (TEMA) در شهر استانبول کشور ترکیه برگزار شد. این نشست با حضور ۱۳ عضو

این شعار همسو با سال جهانی همکاری آب، انتخاب شده است. فعالیت های مرتبط با این روز در خلال اجلاس عالی رتبه خشکسالی که در روزهای ۱۵-۱۱ مارس ۲۰۱۳ در ژنو به همت کنوانسیون مقابله با بیابان زایی، سازمان هواشناسی جهانی و سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد تشکیل می شود، طرح خواهند شد.

### کناره گیری دولت کانادا از عضویت در کنوانسیون مقابله با بیابانزایی

در روز ۲۸ مارس ۲۰۱۳، دولت کانادا رسماً اعلام نمود که از کنوانسیون مقابله با بیابان زایی و تعدیل اثرات خشکسالی کناره گیری می کند. این کشور یکی از حامیان کنوانسیون فوق می باشد که در سال ۲۰۱۱ بیش از ۳ درصد هزینه های دبیرخانه کنوانسیون را تامین نمود. دفتر دبیرکل سازمان ملل متحد این



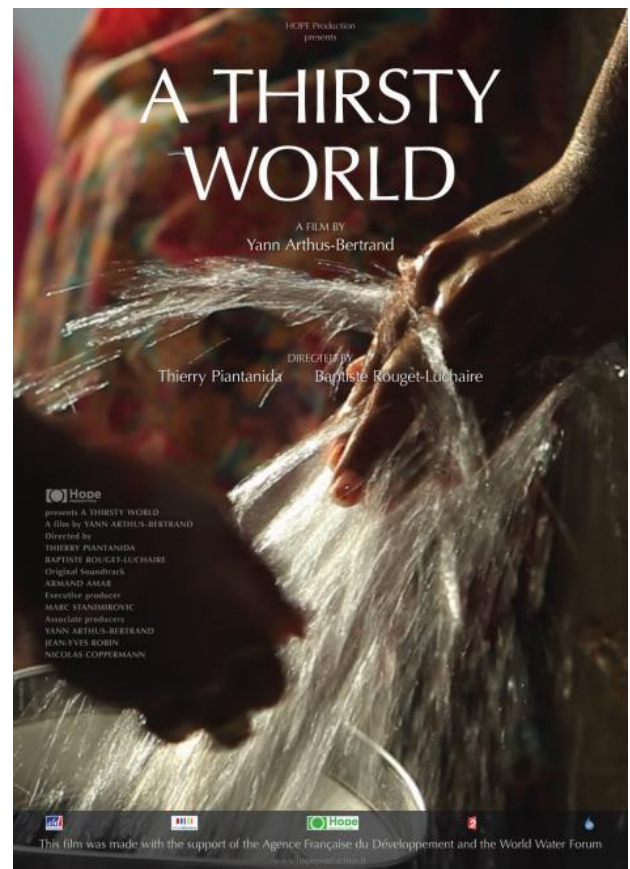
در این گردهمایی، آقای سردار ساریگل مدیر سازمان غیردولتی «تما» (Serdar Sarigul, TEMA)، عضو شبکه دراینت از کشور ترکیه، ضمن خوشامدگویی به حاضران، از آقای پاتریس بورگر از «کغی» (Patrice Burger-CARI) عضو شبکه دراینت از کشور فرانسه، درخواست کردند تا این شبکه را به حاضران معرفی نماید.



پاتریس بورگر ضمن خوشامدگویی و تشکر از حاضران به دلیل علاقه آنان به شناخت شبکه دراینت و فعالیت‌های آن، با معرفی شبکه و هدفهای مشترک سازمانهای عضو در مدیریت پایدار سرزمین و مقابله با بیابانزایی، از سازمانهای عضو شبکه دراینت درخواست کردند تا گوشه‌ای از فعالیت‌های خود را به حاضران ارائه دهند.

- در ابتدا خانم دویگو کوتلوآی از «تما» (Duygu Kutluay- TEMA)، عضو شبکه دراینت از کشور ترکیه، مجموعه‌ای از فعالیت‌های انجام گرفته توسط

از مجموعه ۱۵ سازمان بین‌المللی عضو شبکه دراینت، طی چهار روز برگزار شد. دو روز اول این نشست به ارزیابی فعالیت‌ها و دستاوردهای یک سال قبل و روز سوم به برنامه ریزی فعالیت‌های آینده شبکه اختصاص داشت. در روز چهارم اعضای شبکه دراینت با بیش از ۷۰ نفر از اعضای سازمانهای غیردولتی ترکیه بخصوص «تما» گردهم آمدند و دیدار و گفتگو کردند. بخشی از این گردهمایی به نمایش فیلم مشهور «دنیای تشنه» اثر «یان آرتوس برترند Yann Arthus Bertrand» کارگردان مشهور و عضو «هیئت مشورتی شبکه دراینت» اختصاص داشت.



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

غذای سالم و در نهایت دستیابی به حاکمیت بذر و حاکمیت غذایی در کشور با رویکردهای مشارکتی میباشد. ارائه‌های بعدی اختصاص داشت به:

- توضیحات آقای تنویر عارف از «سکوپ» (Tanveer Arif- SCOPE)، عضو شبکه دراینت از کشور پاکستان، با تکیه بر احیاء نظام و دانش سنتی بهره برداری از منابع آب در آن کشور؛
- ارائه آقای آمیدوو ساکو از «گوکوزا» (Amidou Sako- GOCOZA)، عضو شبکه دراینت از کشور مالی؛
- خانم کانیکا چاندل از «ال پی اس اس» (Kanika Chandel- LPSS)، عضو شبکه دراینت از کشور هندوستان؛
- و آقای ریکاردو سیفوانتس از «الکا» (Ricardo Cifuentes -OLCA)، عضو شبکه دراینت از کشور شیلی.

قسمت اعظم گزارشهای ارائه شده بر فعالیت اعضا شبکه در بسیج منابع انسانی در جلوگیری از تخریب



سرزمین و مقابله با بیابانزایی تاکید داشت. این بخش با پرسش و پاسخهایی از سوی حاضران و اعضا شبکه پایان یافت.

اعضاء شبکه در نقاط مختلف دنیا را به حاضران ارائه داد.



- سپس آقای میگوئل کرسپو از «پروبومیا» (Miguel Crespo-PROBIOMA)، عضو شبکه دراینت از کشور بولیوی، پاورپوینتی از چالشها و مشکلات مرتبط با تخریب سرزمین و بیابانزایی در کشور بولیوی را به حاضران ارائه دادند.
- ارائه بعدی به خانم خدیجه کاترین رضوی از «سنستا» (Khadija Catherine Razavi- CENESTA)، عضو شبکه دراینت از کشور ایران، اختصاص داشت. ایشان در ابتدا توضیحاتی در مورد چالشهای تخریب سرزمین در اقلیم گرم و خشک ایران بیان نموده و سپس اضافه کردند ما با مشارکت بسیار فعال کشاورزان، علاقمندان بخش دانشگاهی و سازمانهای دولتی فعالیتهایی را در راستای احیاء بذر بومی گندم و جو و احیاء تنوع زیستی این محصولات استراتژیک انجام میدهم. ایشان در ادامه با ذکر جزئیات بیشتر در مورد این فعالیتها و نتایج حاصل از آن بیان کردند: متدولوژی این فعالیتها بکارگیری اصلاح مشارکتی بذر و اصلاح تکاملی بذر لوده و هدفهای ما از این اقدامها فائق آمدن بر مشکلات ناشی از تنشهای محیطی همچون خشکسالی و تغییرات آب و هوا، مقابله با بیابانزایی، احیاء بذر بومی گندم و جو (تنوع زیستی در معرض تهدید محصولات)، تولید

برجسته کردن نقش سازمانهای مردم نهاد و سازمانهای جوامع بومی و محلی در امر مقابله با بیابانزایی داشتند.



در ادامه به کلیات سه نشست فوق الذکر و برخی از موضوعهای ارائه شده توسط سازمانهای مردم نهاد اشاره شده است.

### یازدهمین نشست کمیته نظارتی اجرای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی (CRIC11)

یازدهمین نشست کمیته نظارتی اجرای کنوانسیون (CRIC11) در فروردین ماه ۱۳۹۲ در شهر بن برگزار شد. در این نشست کشورهای عضو کنوانسیون، براساس گزارشهای کشوری ارائه شده، فرآیند اجرای کنوانسیون و دستیابی به استراتژی ده ساله کنوانسیون (۲۰۰۸-۲۰۱۸) را مورد بررسی و ارزیابی قرار دادند. در این دوره از نشست ها، کشور ایران ریاست دوره‌ای منطقه آسیا و اقیانوسیه کنوانسیون را، برعهده داشت. کمیته نظارتی اجرای کنوانسیون بعنوان دومین



### برگزاری سه رویداد مهم کنوانسیون مقابله با بیابانزایی (UNCCD)

بن، آلمان، ۲۰ الی ۳۰ فروردین ماه ۱۳۹۲

شهر بن از ۹ تا ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ ( دهه سوم فروردین ماه ۱۳۹۲) شاهد برگزاری سه رویداد مهم مرتبط با کنوانسیون مقابله با بیابانزایی به شرح زیر بود:

- ۱- یازدهمین نشست کمیته نظارتی اجرای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی (CRIC11, UNCCD)؛
- ۲- سومین نشست کمیته علوم و فناوری کنوانسیون مقابله با بیابان زایی (CST S-3).
- ۳- و دومین کنفرانس علمی کنوانسیون مقابله با بیابانزایی (2<sup>nd</sup> Scientific Conference of UNCCD).



نمایندگان موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست در کنار نمایندگان دیگر سازمانهای مردم نهاد و اعضاء شبکه جهانی مقابله با بیابانزایی در این نشست‌ها حضور فعالی داشتند. نمایندگان غیردولتی حاضر در این نشست‌ها با ارائه تجارب موفق از سراسر دنیا سعی در



• عضو فعال مکانیسم همکاریهای منطقه ای.

در این نشست با توجه به اینکه در مقیاس جهانی سالانه بیش از ۵٪ تولید ناخالص ملی کشورهای تحت تاثیر، به دلیل فرایند تخریب سرزمین از دست می‌رود، تاکید بیشتر بر تخریب سرزمین به جای بیابانزایی بوده و از کشورهای عضو درخواست شده تا موضوع ارزیابی اقتصادی تخریب سرزمین را در دستور کار خود قرار دهند.

### سومین نشست کمیته علوم و فناوری و دومین کنفرانس علمی کنوانسیون مقابله با بیابانزایی



**CST S-3**

Third special session of the Committee on Science and Technology

در روزهای ۲۰ تا ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۱ سومین نشست کمیته علوم و فناوری کنوانسیون مقابله با بیابانزایی همزمان با برگزاری دومین کنفرانس علمی کنوانسیون در شهر بن برگزار شد. براساس ماده ۲۴ کنوانسیون مقابله با بیابانزایی، کمیته علوم و فناوری (CST) به عنوان کمیته فرعی و بازوی علمی کنفرانس اعضاء (COP) تشکیل شده است تا با ارائه اطلاعات و راهنمایی‌های فنی مرتبط با بیابانزایی، تخریب سرزمین و اثرات خشکسالی (DLDD) اطمینان حاصل کند که تصمیمات کنفرانس اعضا منطبق با آخرین دستاوردها و نتایج تحقیقاتی علمی مرتبط است.

کمیته فرعی کنوانسیون است و اهم وظایف آن عبارت است از:

- ارزیابی اجرای کنوانسیون بر اساس شاخص‌های عملکردی هر دو سال یکبار و بر اساس شاخص‌های اثر بخشی هر چهار سال یکبار؛
- انتشار و به اشتراک گذاشتن نمونه‌های موفق مقابله با بیابانزایی و تخریب سرزمین؛
- ارزیابی منابع مالی تخصیص یافته در اجرای کنوانسیون؛
- ارزیابی عملکرد و برنامه‌های سایر ارکان کنوانسیون از جمله دبیر خانه دائم، مکانیسم جهانی و واحدهای هماهنگی منطقه‌ای؛
- و ارزیابی همکاری‌های انجام گرفته با تسهیلات جهانی محیط‌زیست (GEF).

نشست یازدهم کمیته نظارتی کنوانسیون از آن جهت دارای اهمیت است که کشورهای عضو بتوانند با مشارکت فعال در فرآیند مذاکرات کنوانسیون و اطلاع از آخرین تصمیمات در خصوص تعهدات شان، برنامه‌های ملی خود را در جهت مقابله با بیابانزایی و کاهش تخریب سرزمین طراحی، هدایت و اجرا نمایند. این تعهدات شامل موارد زیر می‌باشد:

- فرایند گزارش دهی و شاخص‌های عملکردی؛
- بازنگری و همسو سازی برنامه اقدام ملی؛
- استقرار سیستم پایش فرایند بیابانزایی و تخریب سرزمین؛
- تقویت هماهنگی و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای؛
- ریاست دوره‌ای منطقه آسیا و اقیانوسیه؛

Risk Forum» به عنوان نهاد هدایت کننده، سازماندهی دومین کنفرانس علمی را زیر نظر و راهنمایی کمیته علوم و فناوری به عهده داشته باشد. این کنفرانس با تاکید بر دو موضوع «اثرات اقتصادی و اجتماعی بیابانزایی، تخریب سرزمین و خشکسالی» و «هزینه/ فایده سیاستها و اقدامهای مرتبط با بیابانزایی، تخریب سرزمین و خشکسالی» برگزار شد. در این کنفرانس حدود ۸۰۰ نفر از محققان و کارشناسان از سرتاسر دنیا گرد هم آمدند و در مورد اثرات اجتماعی - اقتصادی «بیابانزایی، تخریب سرزمین و خشکسالی (DLDD)» و همچنین امنیت غذایی؛ فقر، از دست رفتن تنوع زیستی، بیکاری، مهاجرت و راه حل‌های بالقوه این چالشها به تبادل افکار و تجارب پرداختند.

جهت اطلاع بیشتر از محتوای مقالات و مطالب ارائه شده در دومین کنفرانس علمی کنوانسیون به لینک <http://2sc.unccd.int/home> مراجعه شود.



مقرر گردید که سومین کنفرانس علمی کنوانسیون با عنوان «مقابله با تخریب سرزمین، بیابانزایی و کاهش اثرات خشکسالی برای کاهش فقر و توسعه پایدار» در سال ۲۰۱۴ برگزار گردد.

بر اساس استراتژی ده ساله کنوانسیون از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ مهمترین اولویت های کاری کمیته علوم و فناوری شامل موارد زیر است:

- پایش و ارزیابی فرایند تخریب سرزمین و بیابانزایی؛
- استقرار سیستم مدیریت دانش مرتبط با تخریب سرزمین و بیابانزایی؛
- برنامه ریزی و برگزاری کنفرانس های علمی کنوانسیون؛
- فعال سازی مرجع بین المللی علوم و فن آوری مرتبط با بیابانزایی و تخریب سرزمین.

چشم انداز استراتژی ۱۰ ساله کنوانسیون مقابله با بیابان زایی بر ائتلاف جهانی برای مقابله با بیابان زایی، کاهش تخریب سرزمین و خشکسالی برای مواجهه موثر با پدیده تغییر اقلیم، دسترسی پایدار به آب و غذا و حفاظت از تنوع زیستی تاکید دارد.

### دومین کنفرانس علمی کنوانسیون مقابله با بیابانزایی

همزمان با سومین نشست کمیته علوم و فناوری (CST-3)، دومین کنفرانس علمی کنوانسیون مقابله با بیابانزایی در زمینه ارزیابی اقتصادی تخریب سرزمین، مدیریت پایدار سرزمین، قابلیت برگشت پذیری در مناطق خشک، نیمه خشک و خشک نیمه مرطوب در شهر بن آلمان برگزار شد. بر اساس تصمیم گرفته شده توسط کمیته علوم و فناوری کنوانسیون در فوریه ۲۰۱۱، مقرر شد «ستاد جهانی مخاطرات Global



بر تسهیلگری، یک نمونه موفق از بکارگیری رویکردهای مناسب در مدیریت پایدار سرزمین و درسهای آموخته از آنرا به حضاران ارائه دادند.

**نشست «رویکردهای جامعه بنیاد در مدیریت پایدار سرزمین»**

آقای پاتریس بورگر، عضو شبکه دراینت از کشور

**دراینت (Drynet) و سه نشست اخیر کنوانسیون مقابله با بیابانزایی**

اعضاء شبکه (Drynet) دراینت و سایر شبکهها همچون (Desert-net) و نمایندگان سازمانهای جامعه مدنی (CSOs) از تاریخ ۹ الی ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ مشارکت فعالی در رویدادهای مهم کنوانسیون مقابله با

بیابانزایی از طریق شرکت در نشستها و برگزاری کارگاههای موضوعی داشتند. شرکت در این رویدادها فرصت ارزشمندی بود تا این گروهها بتوانند با ارائه تجارب خود در موضوعها و زمینههای مختلف، پیشنهادهای و توصیههای



فرانسه، تسهیلگری نشست «رویکردهای جامعه بنیاد در مدیریت پایدار سرزمین»، را برعهده داشتند. در این نشست خانم دویگو کوتلوای عضو شبکه دراینت از کشور ترکیه، ارائهای تحت عنوان «نقش سازمانهای غیردولتی در انتشار دانش علمی در تخریب سرزمین» را به حضاران ارائه دادند. این ارائه محصول همکاری مشترک دویگو کوتلوای از «تما» (TEMA)، ناهید نقی زاده از «موسسه توسعه پایدار و محیط زیست» (CENESTA) و ناتالی ون هارن از «بوت اندس (BothEnds)» بود. محتوای این ارائه بیان کننده تجربیات اعضاء شبکه دراینت در موضوع مورد اشاره

سیاستی خود را برای تولید دانش علمی و تحقیق در دومین کنفرانس علمی کنوانسیون و یازدهمین نشست کمیته نظارتی در اجرای کنوانسیون ارائه دهند.

**برخی از رویدادهایی که اعضاء شبکه دراینت در آن فعالیت کردند به شرح زیر بود:**

**نشست «هزینه / فایده سیاستها و اقدامهای مرتبط با بیابانزایی، تخریب سرزمین و خشکسالی»**

آقای نوئل اوتللو، عضو شبکه دراینت از آفریقای جنوبی تسهیلگری نشست موضوعی «هزینه/ فایده سیاستها و اقدامهای مرتبط با بیابانزایی، تخریب سرزمین و خشکسالی» را بر عهده داشت. ایشان علاوه

«احیاء قرق‌های بومی در قلمرو عرفی عشایر کوچنده ایل ابوالحسنی» به حضار ارائه دادند. این ارائه اشاره داشت به نوآوری‌های عشایر کوچنده ایل ابوالحسنی در حفظ و احیاء قلمرو عرفی خود از طریق «چرخه عبور از خشکسالی» و مقابله با بیابانزایی در قلمرو عرفی ایل ابوالحسنی در منطقه خوارتوران واقع در استان سمنان.



### مشارکت در پنل «پیش بسوی دنیایی عاری از تخریب سرزمین، از علم تا سیاست و قانون»

در این پنل خانم دکتر رضوی از موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست (CENESTA) - عضو شبکه درایت از ایران در مورد نقش سازمانهای مردم نهاد در به صفر رساندن تخریب سرزمین مطالبی را بیان کردند.



و استفاده از منابع مختلف علمی مرتبط در این زمینه بود.



### نشست «اگرواکولوژی ابزاری نیرومند در توسعه سرزمین‌های خشک»

برگزاری این نشست تخصصی تحت عنوان «اگرواکولوژی ابزاری نیرومند در توسعه سرزمین‌های خشک» با تسهیلگری سازمان «کفی» از فرانسه انجام گرفت. در این نشست نوئل اوتللو از آفریقای جنوبی، پاتریس بورگر از فرانسه، ناتالی ون هارن از هلند و خدیجه کاترین رضوی از ایران ارائه‌هایی در موضوع‌های مرتبط با نشست داشتند. ارائه ایران توسط خانم دکتر خدیجه رضوی اشاره‌ای داشت به فعالیت‌های اصلاح مشارکتی و اصلاح تکاملی بذر با مشارکت کشاورزان مناطق خشک و نیمه خشک ایران و نتایج و دستاوردهای این طرح در امر مقابله با تنش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی، خشکسالی و احیاء تنوع زیستی.

### نشست «دانش سنتی مرتبط با مدیریت پایدار سرزمین / بیابانزایی، تخریب سرزمین و خشکسالی»

در این نشست خانم دکتر مینا استقامت از موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست (CENESTA)، از ایران نمونه‌ای از مدیریت پایدار سرزمین را تحت عنوان



## نشست‌های اختصاصی سازمانهای جامعه مدنی

### عضو کنوانسیون مقابله با بیابانزایی

نشست‌های اختصاصی سازمانهای جامعه مدنی توسط امانوئل سک، از سازمان اندای کشور سنگال (عضو شبکه درای نت)، تسهیلگری می‌شد. هدف از برگزاری این نشست‌ها ارزیابی سازمانهای جامعه مدنی از نشست‌های کمیته نظارتی کنوانسیون و افزایش سطح مشارکت آنان در دومین کنفرانس علمی کنوانسیون بود. اعضای موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست در نشست‌های روزانه شرکت فعالی داشته و خود را برای مشارکت منسجم در «پنل گفتگوی آزاد» سازمانهای جامعه مدنی آماده می‌کردند.



## برگزاری «نشست‌های گفتگوی آزاد» سازمانهای

### جامعه مدنی (Open Dialogue Session)

در طی برگزاری یازدهمین نشست کمیته نظارتی اجرای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی، بعد از ظهر روز ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۲، (۱۷ آوریل) اختصاص داشت به «نشست گفتگوی آزاد» سازمانهای جامعه مدنی. موضوع این نشست اختصاص داشت به «نقش سازمانهای جامعه مدنی در بسیج منابع مالی برای حمایت از اجرای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی از

طریق ایجاد همکاری در سطوح ملی و بین المللی».

آقای لوک ناکاجا، دبیر اجرایی کنوانسیون با شرکت در مراسم آغازین این نشست بیان کردند که کنوانسیون مقابله با بیابانزایی تنها کنوانسیونی است که در آن سازمانهای جامعه مدنی، «نشست گفتگوی آزاد» را در جلسات اصلی کنوانسیون برگزار میکنند و نمایندگان کشورهای عضو کنوانسیون در آن به ارائه نظر و گفتگو می‌پردازند. در ادامه ایشان از ادامه فعالیت سازمانهای جامعه مدنی و حمایت آنها از کنوانسیون مقابله با بیابانزایی تشکر و قدردانی نمودند.

## اولین «نشست گفتگوی آزاد» سازمانهای جامعه

### مدنی با موضوع «بسیج منابع در سطح ملی»

«نقش سازمانهای جامعه مدنی در بسیج منابع مالی برای حمایت از اجرای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی از طریق همکاریهای ملی» اولین موضوع «نشست گفتگوی آزاد» بود. شرکت کنندگان این نشست عبارت بودند از نمایندگان سه سازمان غیردولتی (مردم نهاد) از کشور آرژانتین (سازمان غیردولتی Fundacion Agreste)، از ایران (موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست Cenesta)، و از آفریقای مرکزی (توسعه و محیط زیست Confédération des ONG d'environnement et de développement de l'Afrique Centrale) و یک نماینده از مکانیسم جهانی (Global Mechanism). تسهیلگر این نشست، آقای پاتریس بورگر، عضو شبکه درای نت از کشور فرانسه سازمان کفی (CARI) بود. نمایندگان حاضر در این نشست مطالبی را از تجربیات سازمان خود در بسیج منابع و چالش‌ها و فرصت‌های موجود در

### دومین «نشست گفتگوی آزاد» سازمانهای جامعه مدنی با موضوع «بسیج منابع در سطح بین‌المللی»

موضوع دومین «نشست گفتگوی آزاد» اختصاص داشت به «نقش سازمانهای جامعه مدنی در بسیج منابع مالی برای حمایت از اجرای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی از طریق همکاریهای بین‌المللی». شرکت کنندگان این نشست عبارت بودند از نمایندگان سه سازمان غیردولتی از کشور فرانسه (CARI)، سنگال (ENDA) و جمهوری مولدووا (BIOS) به همراه یک نماینده از تسهیلات جهانی محیط‌زیست ملل متحد (UNDP/GEF). تسهیلگر این نشست، آقای تنویر عارف، عضو شبکه دراینت از کشور پاکستان (SCOPE) بود. نمایندگان حاضر در این نشست نمونه‌هایی از همکاریهای بین‌المللی — «افقی» و «عمودی»: «شمال - جنوب» و «جنوب - جنوب» -- به جمع ارائه دادند.



شرکت کنندگان این نشست اتفاق نظر داشتند که ظرفیت سازی و ایجاد همکاریهای بین‌المللی نیازمند

سطح ملی ارائه دادند و سپس به سؤالی مطرح شده توسط نمایندگان کشورها پاسخ دادند.

ناهید نقی زاده، نماینده موسسه توسعه پایدار و محیط زیست، در ابتدا توضیحاتی در مورد تجربیات و فعالیتهای این موسسه در تسهیلگری و حمایت از تشکیل تشکلهای عشایر کوچنده در سطوح مختلف ایلی (ایل، طایفه و تیره) تحت عنوان «شوراهای



معیشت پایدار عشایر کوچنده» به جمع ارائه داد و سپس به نقش برجسته جوامع بومی و محلی در حفاظت، استفاده پایدار و احیاء منابع طبیعی با تکیه بر دانش بومی و تجربیات دیرین این جامعه اشاره کرد. ایشان اضافه کردند که چگونه این موسسه تلاش میکند تا با بسیج منابع مختلف، گام‌های اساسی در توانمند کردن جوامع بومی و محلی و تصدی‌گری آنها در مدیریت پایدار سرزمین و به رسمیت شناساندن قلمرو عرفی عشایر کوچنده تحت عنوان قرق‌های بومی در کشور بردارد. سپس، یک نمونه از قرق بومی در ایران را که توسط «شورای معیشت پایدار ایل بختیاری - طایفه فرخوند» در جهت حفاظت از قلمرو ایلی در حال اجرا است، را به جمع ارائه نمودند.



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

اندازهای خود مواردی را با تاکید بر به رسمیت شناختن رویکردهای کشاورزی اکولوژیکی در دستیابی به مدیریت پایدار سرزمین، حق دسترسی به غذا در سطوح محلی و ملی، حفظ و احیاء خاک، پایداری زیست محیطی، برابری، هویت و غنی سازی



تحقیقات مربوط به تخریب سرزمین و بکارگیری نوآوری‌ها و شیوه‌های خارج از چارچوب علوم رایج در جهت کاهش تخریب سرزمین تهیه و بیانیه‌ای صادر کردند. بیانیه سازمانهای جامعه مدنی در اسناد یازدهمین نشست کمیته نظارتی اجرای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی (UNCCD, CRIC11) آورده شده است.



کار و تلاش بیشتری بوده و چالش‌هایی نیز در برآورد کردن نیاز حامیان طرح‌های بین‌المللی در هنگام ارائه طرح وجود دارد. نماینده تسهیلات جهانی محیط‌زیست نیز بیان کرد که یکی از چالش‌های کنوانسیون مقابله با بیابانزایی این است که سازمانهای غیردولتی سازو کار تسهیلات جهانی محیط‌زیست را درک کنند و آنها را تشویق کند تا با گروه‌های ذینفع مختلف منجمله سازمانهای دولتی و بخش خصوصی همکاری کنند.



اعضای شبکه دراینت به همراه دیگر سازمان‌های جامعه مدنی، همکاری بین علم و جامعه مدنی و استفاده از تجربیات محلی و جهانی آنها را بسیار پر اهمیت ذکر کردند و نقش آنها را به مانند پلی میان بخش‌های مختلف جامعه عنوان کردند. ضمن اینکه با توجه به شرایط خاص و پیچیده مناطق خشک و جوامع واقع در آن؛ اهمیت ادامه ارتباطات، دانش محلی و سنتی، مشارکت عمومی را در فرآیند تحقیقات به طور خاص مورد تاکید قرار دادند. اعضای شبکه دراینت و سازمانهای جامعه مدنی براساس هدف‌ها و چشم

## اخبار ملی - منطقه‌ای

### برگزاری کارگاه منطقه‌ای همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی با استراتژی ده ساله کنوانسیون

تهران - ۲۲ الی ۲۴ اسفند ۱۳۹۲



کارگاه منطقه‌ای شمال شرق، جنوب شرق و جنوب آسیا، با شرکت نمایندگان دولتی ۱۱ کشور بنگلادش، بوتان، چین، کره شمالی، اندونزی، ایران، لائوس، نپال، پاکستان، سریلانکا، تایلند و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی شامل کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، مکانیزم جهانی، تسهیلات محیط‌زیست جهانی و برنامه محیط‌زیست ملل متحد در اسفند ماه ۱۳۹۱ توسط نهاد ملی و دبیرخانه کارگروه ملی مقابله با بیابان‌زایی برگزار شد. هدف از برگزاری این کارگاه ظرفیت‌سازی نمایندگان منطقه‌ای در نحوه همسوسازی برنامه‌های اقدام ملی و فرآیند اجرای آن طبق استراتژی ده ساله کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی ملل متحد و تبادل تجربیات کشورهای منطقه در این زمینه بود. این کارگاه در پی توافق آقای دکتر لوک ناکاجا، دبیر اجرایی کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی با آقای مهندس اورنگی، معاون وزیر و رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و رئیس گروه آسیا و اقیانوسیه، در خلال بازدید رسمی وی از جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. از سازمان‌های مردم‌نهاد عضو در کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، نماینده موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست در این کارگاه شرکت کرده بود. اطلاعات بیشتر در: <http://www.frw.org.ir/Portals/0/Information.pdf>

### پنجمین نشست کارگروه ملی مقابله با بیابان‌زایی

<http://frw.org.ir/Home/pageid/1/ct/view/mid/1663/Id/23061/language/fa-IR/Default.aspx>

پنجمین نشست کارگروه ملی مقابله با بیابان‌زایی ۲۶ اسفند ۱۳۹۱ با حضور نمایندگان کارگروه ملی مقابله با بیابان‌زایی در سالن جلسات وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد. در این نشست رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور طی سخنان خود به فعالیت‌های چشمگیر ایران در زمینه همکاری‌های بین‌المللی و جلوگیری از تخریب سرزمین که مقوله‌ای فراتر از مقابله با بیابان‌زایی است، اشاره کرد. ایشان با اشاره به چالش‌هایی همچون کاهش حاصلخیزی خاک، انواع





## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

تهران، ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۲

کارگاه آموزش تسهیلگری با هدف یادگیری کارگروهی و آموزش ویژگی‌های تسهیلگری در تهران، سالن اجتماعات موسسه حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی با تسهیلگری دکتر نشاط و کمک تسهیلگری پروین پاکزادمنش برگزار گردید.



شرکت کنندگان این کارگاه ترکیبی از نمایندگان انجمن‌ها، سازمانهای مردم نهاد و موسسه‌های تسهیلگری همچون سماط (سهم من از طبیعت) شهر یزد، سبزکاران گیلان، سبز اندیشان اراک، بنیاد مهر همدان، حافظان طبیعت پایدار رشت، انجمن پایشگران محیط زیست، دفتر تسهیلگری محله شوش، موسسه حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی، جبهه سبز، موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست، خانه مهر کودکان و برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات جهانی محیط‌زیست بودند.

در ابتدای کار دکتر نشاط به گروه‌بندی افراد حاضر بر اساس پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه بلبین (شما چگونه شخصیتی دارید؟) پرداختند. بر این اساس افراد به ۸

فرسایش‌های بادی، خاکی، آبی و همچنین بحث مدیریت سیلابها، توسعه باغات و موضوع آموزش ترویج و کارهای تحقیقاتی اعلام کردند که مرجع ملی مقابله با بیابانزایی، شاخص‌هایی در رفع این چالش‌ها تدوین و به دبیرخانه کنوانسیون ارسال کرده است. ایشان با اشاره به اجرای پروژه‌های بین‌المللی ایران همچون ترسیب کرین، حبله رود و منارید و... بیان کردند که ۴۰ درصد منابع مالی این پروژه‌ها را سازمانهای بین‌المللی و ۶۰ درصد آن را دولت ج.ا.ا. تامین میکند. در ادامه بیان کردند با توجه به اینکه ۲۳ کشور استان در شرایط بیابانی قرار دارند، سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری در جهت توسعه شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی این مناطق برنامه‌هایی را در دست اجرا دارد که از آن جمله سرمایه‌گذاری‌هایی متعدد در استانهای اصفهان، خراسان، کرمان و یزد و اجرای طرح‌های مقابله با بیابانزایی در آن مناطق است. ایشان در پایان اعتبارات سال آینده سازمان در بخش مقابله با بیابانزایی را قریب به ۴۰ میلیارد تومان اعلام کردند.



**برگزاری کارگاه آموزش تسهیلگری**

- ۳- متعهد به فرایند است نه نتیجه (مهم ترین عنصر فرایند با هم بودن انسان هاست و چون انسان‌ها با هم نبودند ضعیف شدند)؛
- ۴- از وظایفش مدیریت دانش است و این مدیریت با روش کتبی صورت می‌گیرد (تسهیل گر با واحد مکتوب سر و کار دارد)؛
- ۵- در طول کار از هیچ چیز انتقاد نمی‌کند و ایراد نمی‌گیرد و فقط نقاط قوت را می‌بیند؛
- ۶- تسهیل گر با هر دو سرعت تند و کند سر و کار دارد؛
- ۷- تسهیلگران تجربه گرا هستند؛
- ۸- باید مردم را در داخل فرایند قرار دهند؛
- ۹- کاری با ساختار کلان ندارند؛
- ۱۰- عنصر اصلی تسهیل گر تعامل است؛
- ۱۱- کسی است که بتواند گروه سازی کند؛
- ۱۲- درون را در ارتباط با بیرون ببیند؛
- ۱۳- کار تسهیلگر افزایش چاره هاست؛
- ۱۴- در همه جمع‌ها حامی و طرفدار اقلیت است؛
- ۱۵- پرسش‌ساز است و هیچوقت به سوالات جواب نمی‌دهد؛
- ۱۶- سعی بر بالابردن روحیه همکاری دارد.

گروه تقسیم و با توجه به نمرات دریافتی در یکی از گروه‌ها قرار گرفتند. این گروه‌ها شامل گروه اجرایی، رئیس، شکل‌دهنده، خلاق و مبتکر، جستجوگر منابع، ارزیاب و ناظر، همکار و تمام کننده بود.

در توضیح علت این دسته‌بندی دکتر نشاط توضیح دادند: جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم از مجموع گروه‌های مذکور تشکیل یافته است و در پیشبرد هدف‌ها و برنامه‌ها به تمامی این گروه‌ها نیازمندیم در واقع این گروه‌ها نشان‌دهنده اعضای یک جامعه‌اند که لازم و ملزوم یکدیگرند. ایشان در ادامه کارگاه به توضیح مفاهیم تسهیل‌گری و سایر مفاهیم همچون گروه و ویژگی‌های آن، جامعه محلی، مشارکت، توسعه محلی، توسعه پایدار، توانمندسازی و... پرداختند.

بخش دیگر کارگاه به بحث و تبادل نظر پیرامون ویژگی تسهیلگر پرداخته شد که یکی از جذابترین و پربحث‌ترین قسمت کارگاه در روز اول بود که نتیجه آن در مورد ویژگی اصلی یک تسهیلگر به صورت زیر بیان شد:



- ۱- تصمیم سازی می‌کند نه تصمیم گیری؛
- ۲- جمع گراست نه جداساز؛

روز دوم کارگاه اختصاص به معرفی برخی تکنیک‌های تسهیلگری و تحلیل ذینفعان داشت. در این بخش از کارگاه پس از معرفی و توضیح برخی از شیوه‌های (تکنیک) تسهیلگری (حل مساله)، افراد حاضر به گروه‌های جدید بر اساس شیوه مورد استفاده تقسیم



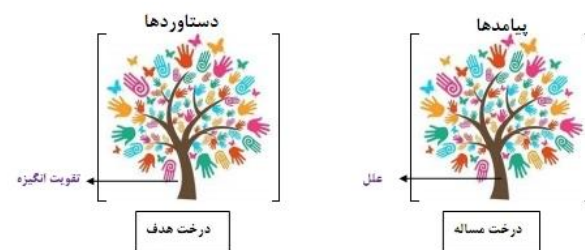
## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

نهایتاً در ارزیابی کارگاه حاضرین به نکات زیر اشاره کردند:

- فرایند انتقال اطلاعات؛
- افزایش اطلاعات،
- به روز بودن اطلاعات؛
- فرایند یادگرفتن با تحلیل و بحث گروهی؛
- یادگیری از طریق عمل؛
- ارتباط گرفتن با افراد و موسسات دیگر و
- آشنائی با نحوه کار آن‌ها؛
- مهم بودن نقش تک تک افراد در گروه؛
- پویایی گروهی؛
- صمیمیت، همراهی، یخ شکنی؛
- محیط شاد و دوستانه؛
- محیط صمیمی و راحت؛
- تنوع شرکت کنندگان؛
- زحمت گروهی و برگزاری پربار جلسه؛
- غیررسمی، سریع و شاد



شدند و در مورد این شیوه‌ها بحث و گفتگو کردند. در ادامه هر گروهی موضوع خاصی را با شیوه مربوط به آن تحلیل و تفسیر نمود و به تصویر کشید. شیوه‌های مورد استفاده عبارت بودند از: بارش افکار، درخت مشکلات، تیغ ماهی، نقشه مکانی (ذهنی)، پنج بار چرا پنج بار چگونه، و وزن دهی به شاخص‌ها.



در این میان تکنیک بارش افکار، به این دلیل که پایه و اساس همه تکنیک‌های حل مساله می‌باشد به طور مفصل‌تر توضیح داده شد. در واقع بارش افکار روشی برای برانگیختن خلاقیت در یک گروه است که برای تولید تعداد زیادی ایده در مورد یک مساله به کار می‌رود. دکتر نشاط در این مورد افزودند که بارش افکار باید تحت چند قانون که آن را قوانین طلایی بارش افکار نامیده‌اند، انجام شود. این قوانین عبارتند از: تمرکز بر تعداد ایده‌ها، ممنوعیت انتقاد، استقبال از ایده‌های غیر معمول و کتبی کردن ایده‌ها.

اساسنامه پس از بررسی تمام نمایندگان تشکل‌های بومی و محلی، نهایی و مفاد آن با امضاء حاضرین به تصویب رسید. پس از آن اولین مجمع عمومی تشکل ملی شترداران با شرکت نمایندگان تشکل‌های عضو برگزار و نسبت به تعیین هیئت مدیره و هیئت رئیسه تشکل اقدام‌های لازم صورت گرفت.

این تشکل در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۷ تحت شماره ۱۸، با نام «کانون شترداران بومی کویرنوردان» و چشم‌انداز «شناساندن، ارتقاء و احیاء تمامیت اکولوژی قرق‌های بومی و محلی شامل تمام یا بخشی از قلمروهای شتر» به ثبت رسید. هدف عمده از شکل‌گیری این تشکل «ارتقاء و تثبیت نقش جوامع بومی و محلی شتردار در حفظ و استفاده پایدار از زیستگاه‌های شتر، حفاظت از تنوع زیستی و ذخایر ژنتیکی بومی شتر و دفاع از حقوق قانونی و عرفی شترداران از طریق توسعه قرق‌های بومی در کشور و همچنین ساماندهی و اصلاح قوانین موجود» عنوان شده است.

## ثبت تشکل کانون شترداران بومی کویرنوردان

در جریان برگزاری اولین کنگره ملی شتر در شهر مشهد در فروردین ماه ۱۳۹۱، موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست با اتکا به فعالیتهای پیشین خود تلاش نمود تا شرایط را برای حضور موثر شترداران جوامع بومی و عشایری، به عنوان ذیحقان اصلی شتر در این کنگره فراهم آورد.

در این رویداد چند خلاصه مقاله با عناوین شترداری و جایگاه شتر در ایل قشقایی، ایل شاهسون و طایفه چوداری و همچنین رفتارشناسی شتر، از طرف نمایندگان جوامع بومی شتردار تهیه و با همکاری موسسه به دبیرخانه همایش ارسال و مورد پذیرش واقع گردید.



در طی برگزاری اولین کنگره ملی شتر، پیرو نشست‌های مشورتی انجام گرفته در قبل، جلساتی با حضور نمایندگان تشکل‌های جوامع عشایری بومی و محلی شتردار و تسهیلمرگ سازمان مردم نهاد موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست (CENESTA)، به منظور تشکیل و ثبت تشکل ملی شترداران ایران و همچنین بررسی مفاد اساسنامه این تشکل برگزار شد. این

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱-۰۳-۲۳ شماره روزنامه: ۱۸۶۶ شماره صفحه روزنامه: ۳۱

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شماره نامه اداره ثبت: ۱۳۹۱/۱۱/۷ تاریخ نامه اداره ثبت: ۱۳۹۱/۱۱/۷

**آگهی تاسیس موسسه**

نظر به ماده ۸ آئین نامه ثبت موسسات غیرتجارتی موسسه کانون شترداران بومی کویرنوردان در تاریخ ۹۱/۱۱/۷ تحت شماره ۱۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۲۱۸۴۴۱۰ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه مفاد اساسنامه آن جهت اطلاع عموم آگهی می‌شود.

۱- نام موسسه: کانون شترداران بومی کویرنوردان

۲- موضوع موسسه: شناساندن، ارتقاء و احیاء تمامیت اکولوژی قرق‌های بومی و محلی شامل تمام یا بخشی از قلمروهای شتر

۳- ارتقاء و تثبیت نقش جوامع بومی و محلی شتردار در حفظ و استفاده پایدار از زیستگاه‌های شتر از طریق توسعه قرق‌های بومی در ایران.

۴- حفاظت از تنوع زیستی و ذخایر ژنتیکی بومی شتر در جلوگیری از کاهش جمعیت و تهدیدات لازم در جهت ثبات و تکثیر نژادهای بومی شتر در کشور.

۵- دستیابی و اجرای مدیریت مشارکتی منابع طبیعی در زیستگاهها و قلمروهای شتر.

۶- ارتقاء دانش و آگاهی جامعه در مورد نقش شتر از نظر زیست محیطی، فرهنگی اجتماعی و مذهبی و...

۷- دفاع از حقوق قانونی و عرفی شترداران در زیستگاهها و قلمروهای مرتبط با شتر

۸- ساماندهی و اصلاح قوانین موجود و تعیین اولویتهای اجرایی و تحقیقاتی مرتبط با شترداری. مابقی به شرح ماده ۳ اساسنامه می‌باشد.

۹- تأییدت جمهوری اسلامی ایران

۱۰- مرکز اصلی موسسه: میانی خیابان امام رضا (ع) میدان بسج خیران بهادت پلاک ۷۹

۱۱- آسامی موسسین: هوشنگ تاوریز فرزند زکی خان به شماره شناسنامه ۱۹۸۲ و شماره ملی ۲۲۹۴۳۳۰۲۲۶ و کدپستی ۷۱۹۸۲۵۶۸۸ و ۷۱۹۸۲۵۶۸۸ محمد ربیعی فرزند باباجمعد به شماره شناسنامه ۱۸۲۵ و شماره ملی ۸۲۷۳۱۰۲۵۹ و کدپستی ۳۶۱۹۸۷۴۳۶۹ و محمدرضا کریمی زرنگی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۵۷۷۲ و شماره ملی ۳۳۷۹۶۲۷۷۷۱ و کدپستی ۸۹۱۹۱۷۱۶۹ و ناصر احمدی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۱۴۰ و شماره ملی ۶۰۳۹۴۰۰۶۶۶ و کدپستی ۵۳۹۱۷۶۶۹۸ و رسول عرفانی فرزند اسداله به شماره شناسنامه ۵۵ و شماره ملی ۹۷۱۹۹۶۶۴۲ و کدپستی ۹۷۱۹۹۶۶۴۲

۱۲- تاریخ تشکیل موسسه: هفتم بهمن ماه یکپزار و سیصد و نود و یک

۱۳- مدیر یا مدیران و انتخابی که در موسسه حق امضاء دارند: هوشنگ تاوریز فرزند زکی خان به شماره شناسنامه ۱۹۸۲ و شماره ملی ۲۲۹۴۳۳۰۲۲۶ و کدپستی ۷۱۹۸۲۵۶۸۸ بیست رئیس هیئت مدیره و محمدرضا کریمی باباجمعد به شماره شناسنامه ۱۸۲۵ و شماره ملی ۳۶۱۹۸۷۴۳۶۹ و کدپستی ۳۶۱۹۸۷۴۳۶۹ بیست نائب رئیس هیئت مدیره و محمدرضا کریمی زرنگی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۵۷۷۲ و شماره ملی ۳۳۷۹۶۲۷۷۷۱ و کدپستی ۸۹۱۹۱۷۱۶۹ و ناصر احمدی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۱۴۰ و شماره ملی ۶۰۳۹۴۰۰۶۶۶ و کدپستی ۵۳۹۱۷۶۶۹۸ اعضای هیئت مدیره و رسول عرفانی فرزند اسداله به شماره شناسنامه ۵۵ و شماره ملی ۹۷۱۹۹۶۶۴۲ و کدپستی ۹۷۱۹۹۶۶۴۲ عضو هیئت مدیره و مدیرعامل برای مدت دو سال انتخاب شدند. کابینه اسداله رسمی و اوراق بهادار و نهادآور بانکی و قراردادهای با امضا مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر موسسه و نامه های عادی و اداری با امضا مدیرعامل و با یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر موسسه معتبر می‌باشد.



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

آسیب‌پذیر جوامع تحت تاثیر ضرورت دارد. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود به پروژه ترسیب کربن و اثرات مثبت آن در مقابله با بیابانزایی اشاره کرد و اضافه کرد از جمله عمده تهدیدات مناطق خشک و نیمه خشک ریزگردها و فعالیت‌های انسانی نامناسب در این مناطق است.

**نورالدین مونا، نماینده فائو در ایران** بیان کرد: میزان کم بارندگی در بخش عمده ای از کشور ایران منجر به کاهش پوشش گیاهی و تخریب اکوسیستم های طبیعی در مناطق کم باران شده است. وی با اشاره به برنامه راهبردی شماره ۵ فائو با موضوع خشکسالی و کمبود آب که بر سازگاری با مخاطرات طبیعی تأکید می‌کند، تصریح کرد: ایران جزو ۱۹ کشور منطقه شمال آفریقا و شرق آسیا است که با چالش امنیت غذایی روبرو است. ارائه راهکارهای پایدار برای مقابله با خشکسالی و تأمین امنیت غذایی برای کشورهای تحت تاثیر از حمله برنامه‌ها و طرح های در دست اجرای نهاد کارگزاری فائو میباشد. ایشان همچنین توضیحاتی در مورد دیگر پروژه های مشترک بین ایران و سوریه با حمایت ایتالیا و نیز احیاء اکوسیستمهای جنگلی با همکاری فائو، تسهیلات جهانی محیطزیست (GEF) و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور بیان کردند.

### تهدید منابع زیستی کشور

**رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور** با اشاره به طوفان‌های گردوغبار و اثرات مخرب آن در بیابانزایی، هزینه جبران تخریب ها را بسیار بالا ذکر کرد و با تاکید بر شعار روز جهانی مقابله با

### برگزاری مراسم روز جهانی مقابله با

**بیابانزایی - ۲۷ خرداد ۱۳۹۲**

### همزمان با برگزاری روز جهانی مقابله با

**بیابانزایی اعلام شد: خطر بیابانزایی، نیمی از**

**کشور را تهدید می‌کند**



مراسم روز جهانی مقابله با بیابانزایی با شعار «نگذاریم آینده‌مان خشک شود» در ۲۷ خرداد ماه ۱۳۹۲ با حضور نماینده سازمان ملل متحد در ایران، نماینده فائو و جمعی از کارشناسان منابع طبیعی و نماینده تشکل‌های مردم نهاد، در مرکز آموزشی دکتر جوانشیر استان البرز برگزار شد.

در این مراسم، **گری لویس نماینده مقیم ملل متحد** در ایران با تاکید بر اهمیت عضویت ایران در کنوانسیون مقابله با بیابانزایی گفت: مناطق خشک و نیمه خشک دنیا در ۶۰ سال گذشته حدود ۲ درصد اضافه شده است. ۱۷۰ کشور در دنیا با پدیده بیابانزایی مواجه هستند که این امر بحرانهای مختلفی در ارتباط با منابع آب و غذا به وجود خواهد آورد. در حال حاضر در سراسر کره زمین میلیون‌ها هکتار زمین‌های فرسوده در حال احیاء است که نیاز به هماهنگی و همکاری دولت‌ها بنگاههای دولتی و محیط زیست دارند. در این ارتباط، مقابله با پیامدهای خشکسالی و توانمند سازی اقشار

یکی از اقدامات مهم و موثر ایران در زمینه مقابله با بیابانزایی ذکر کرد و گفت: تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است، منجر به واگذاری ریاست دوره‌ای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی آسیا و اقیانوسیه به ایران شده است. به گفته ایشان، این طرح با هدف ارتقای سطح درآمد زندگی روستاییان، تقویت زیرساخت‌های تولید کشاورزی و ترسیب کربن انجام گرفته است. وی گفت: علاوه بر طرح ترسیب کربن، پروژه‌های دیگری همچون منارید، حبله‌رود و... در زمینه احیاء منابع طبیعی، توانمندسازی جوامع محلی و دستیابی به الگوهای مشارکتی در حال انجام است.

## بهره‌برداری ناصحیح از سرزمین

در این مراسم رئیس سازمان محیط‌زیست، با بیان اینکه ۹۰ درصد مشکل ریزگردهای کشور متاثر از غفلت کشورهای همسایه و بهره‌برداری نامعقول از سرزمین، مدیریت غیرخردمندانه و حقایق‌های تأمین نشده است. محمدی‌زاده افزود: در حال حاضر ۱۳ میلیون هکتار از زمین‌های کشور عراق مستعد تولید ریزگرد هستند و ۸/۱ میلیون هکتار از زمین‌های این کشور در کانون بحران تولید ریزگرد قرار دارند. ضمن اینکه ۹۰ درصد تالاب‌های کشور عراق خشک شده و این علت اصلی تولید ریزگرد در کشور عراق است.

بیابانزایی «نگذاریم آینده‌مان خشک شود» بر استفاده درست و اصولی از منابع آب و خاک تأکید کرد و افزود: بدون در نظر گرفتن مبانی علمی مدیریت آب و خاک نمی‌توان حفاظت از اراضی کشاورزی و محیطی را تضمین کرد.



## احیای ۷ میلیون هکتار عرصه بیابانی

آقای مهندس اورنگی با بیان اینکه پدیده گرد و غبار در منطقه ما را با مشکل کاهش محصولات کشاورزی در کاهش سطح آب‌های زیرزمینی مواجه کرده است، گفت: شدت و استمرار و پایداری طولانی این گرد و غبارها در کشور به ویژه در استان‌های غربی، خسارات زیادی به کشور وارد کرده و به همین دلیل سازمان جنگل‌ها طی نیم قرن گذشته بیش از ۷ میلیون هکتار از عرصه‌های بیابانی را که مولد این گردوغبار هستند، احیاء کرده است. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر افزایش آگاهی عمومی جامعه و مشارکت مردم محلی در کنترل و مدیریت بهره‌برداری از آب و خاک، اجرای پروژه بین‌المللی ترسیب کربن را



## استراتژی ده ساله کنوانسیون مقابله با بیابانزایی (۲۰۱۸-۲۰۰۸)

چشم‌انداز استراتژی ده ساله کنوانسیون مقابله با بیابانزایی عبارت است از: ائتلاف جهانی برای مقابله با بیابانزایی، کاهش تخریب سرزمین و خشکسالی برای مقابله موثر با پدیده تغییر اقلیم، دسترسی پایدار به آب و غذا و حفاظت از تنوع زیستی است. در این راستا کنوانسیون مقابله با بیابانزایی در چارچوب استراتژی ۱۰ ساله خود، چهار هدف استراتژیک و پنج هدف اجرایی تعریف کرده است که عبارتند از:

### هدف‌های استراتژیک

- ۱- بهبود شرایط معیشتی جوامع تحت تاثیر؛
- ۲- ارتقای شرایط اکوسیستم‌های آسیب دیده؛
- ۳- تامین منافع جهانی از طریق اجرای موثر کنوانسیون؛
- ۴- بسیج منابع مالی جهت اجرای کنوانسیون در سطوح ملی و بین‌المللی.

### هدف‌های اجرایی

- ۱- ترویج، ارتقاء آگاهی و آموزش؛
  - ۲- چارچوب‌های سیاست گذاری؛
  - ۳- علم، فن آوری و دانش؛
  - ۴- ظرفیت سازی؛
  - ۵- تامین منابع مالی و انتقال تکنولوژی در سطوح محلی و ملی و بین‌المللی.
- بر اساس این استراتژی کشورهای عضو کنوانسیون متعهد شده‌اند تا همسوسازی برنامه‌های اقدام ملی خود را در یک فرآیند هماهنگ و مشارکتی و با در نظر گرفتن هدف‌های استراتژیک و شاخص‌های ارزیابی تعریف شده جهت دستیابی به آنها به انجام برسانند.

## ضرورت همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی (NAP<sup>۱</sup>) با استراتژی ده ساله کنوانسیون

در پی برگزاری هشتمین کنفرانس اعضاء کنوانسیون مقابله با بیابانزایی (UNCCD/COP8<sup>۲</sup>) و تصمیم سه (۳) آن نشست به عنوان مبنای حقوقی، کشورهای عضو کنوانسیون ملزم و متعهد به همسوسازی برنامه‌های اقدام ملی با استراتژی ده ساله کنوانسیون شدند. به دلیل اینکه اکثر کشورهای متعهد به کنوانسیون نتوانستند برنامه‌های اقدام ملی مقابله با بیابانزایی خود را اجرا نمایند، کنوانسیون پس از بررسی وضعیت اجرای برنامه‌های اقدام ملی کشورها، مجبور به بازنگری سیاست‌های خود شد و استراتژی ده ساله (۲۰۱۸-۲۰۰۸) خود را معرفی کرد. براساس همین سیاست‌ها، کنوانسیون تهیه و بازنگری برنامه‌های اقدام ملی و همسوسازی این برنامه با استراتژی ده ساله را در حداقل ۸۰ درصد کشورهای عضو تا پایان سال ۲۰۱۴ در دستور کار خود قرار داده است.

همسوسازی برنامه‌های اقدام ملی تا بدانجا برای کنوانسیون اهمیت دارد که دبیرخانه کنوانسیون دستورالعملی را طی یک فرآیند ۵ مرحله‌ای تهیه و به کنفرانس اعضاء ارائه کرده است.

علاوه بر آن دبیرخانه کنوانسیون با تاکید مجدد بر ضرورت این همسوسازی در یک فرآیند مشارکتی، از اعضاء خود دعوت کرده است تا برای بسیج منابع مالی و فنی داخلی و بین‌المللی اقدام لازم را انجام دهند و از مکانیزم جهانی (Global Mechanism) و دبیرخانه کنوانسیون برای انجام فعالیت‌های ضروری خود درخواست کمک‌های فنی و مالی نمایند.

<sup>1</sup> National Action Plan to Combat Desertification

<sup>2</sup> United Nations Convention to Combat Desertification (UNCCD)/ Conference Of Parties (COP)

بنگلادش، بوتان، چین، کره شمالی، اندونزی، ایران، لائوس، نپال، پاکستان، سریلانکا و تایلند در اسفند ماه ۱۳۹۱ توسط نهاد ملی و دبیرخانه کارگروه ملی مقابله با بیابانزایی برگزار شد. هدف از برگزاری این کارگاه، ظرفیت سازی نمایندگان منطقه‌ای در نحوه همسوسازی برنامه‌های اقدام ملی و فرآیند اجرای آن طبق استراتژی ده ساله کنوانسیون مقابله با بیابانزایی ملل متحد بود.

• برنامه‌ریزی و برگزاری سه کارگاه منطقه‌ای در استان‌های فارس، مازندران و سمنان و یک کارگاه ملی در استان البرز تحت عنوان «ظرفیت سازی مدیریت مشارکتی در فرآیند همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی با استراتژی ده ساله کنوانسیون» از دیگر اقدام‌های آغازینی است که توسط دفتر ترویج و آموزش سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و همکاری دبیرخانه کارگروه ملی مقابله با بیابانزایی انجام گرفته است. این کارگاه‌ها با هدف ظرفیت‌سازی، تبیین الگوی مدیریت مشارکتی و جلب مشارکت و ایجاد تعامل بین گروه‌های ذینفع مختلف در فرآیند همسوسازی برنامه اقدام ملی، برگزار می‌شود. از دیگر سو به سبب نقش موثر سازمان‌های غیردولتی عضو کنوانسیون و فعال در امر مقابله با بیابانزایی، موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست (CENESTA) بعنوان تسهیلگر و مجری کارگاه‌های مشارکتی مذکور انتخاب شد و اولین کارگاه منطقه‌ای با میزبانی اداره کل منابع طبیعی استان فارس، در روزهای ۴ و ۵ تیر ماه ۱۳۹۲ در استان فارس برگزار شد.

## برنامه‌های ج.ا.ا. در همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی با استراتژی ده ساله کنوانسیون

جمهوری اسلامی ایران یکی از اعضای متعهد و فعال کنوانسیون مقابله با بیابان زایی و تعدیل اثرات خشکسالی (UNCCD) است. به دنبال عضویت کشور ایران در این معاهده جهانی در اوایل دهه ۱۳۸۰ اولین برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی تنظیم و به دبیرخانه کنوانسیون ارائه شد. در حال حاضر تدوین برنامه اقدام ملی و همسوسازی آن با استراتژی ده ساله کنوانسیون در دستور کار سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور به عنوان «نهاد ملی» و «دبیرخانه کارگروه ملی ۳ مقابله با بیابانزایی» قرار دارد. در این زمینه اقدام‌های متعددی با تکیه بر ظرفیت‌های موجود در راستای همسوسازی برنامه اقدام ملی انجام گرفته است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• کارگاه منطقه‌ای شمال شرق، جنوب شرق و جنوب آسیا، با شرکت نمایندگان دولتی ۱۱ کشور

<sup>۲</sup> این کارگروه به منظور اجرای تعهدات موضوع مواد (۴) تا (۲۰) کنوانسیون (به استثنای تعهدات موضوع ماده (۶) با ترکیبی از وزراء یا نماینده تام‌الاختیار ۱۱ وزارت خانه در سطح معاون وزیر (جهاد کشاورزی، کشور، نیرو، نفت، امور خارجه، علوم، تحقیقات و فناوری، دفاع و پشتیبانی، صنایع و معادن، آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری و راه و ترابری)، نماینده عضو کمیسیون‌های کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی، روسای سازمان‌های حفاظت محیط زیست، میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، یک نفر از اساتید و یا محققان دانشگاهی و صاحب نظران، نماینده سازمان‌های مردم نهاد، نماینده ایران نزد کنوانسیون (مرجع ملی و رئیس کارگروه).



کلیدی (دولتی، مردم نهاد و جوامع محلی) در مدیریت مشارکتی و همسویی آنها در فرآیند بازنگری برنامه اقدام ملی و همسوسازی آن با استراتژی ده ساله کنوانسیون در یک فرایند مشارکتی و مشورتی بود.



در این کارگاه دکتر لقمان پور معاون دفتر ترویج و آموزش سازمان جنگلها، ضمن تشکر از تمام دست اندکاران به یکی از مهمترین هدفهای این کارگاه یعنی «ظرفیت سازی مدیریت مشارکتی در بین گروههای ذینفع» اشاره و اضافه کردند این کارگاه در راستای انجام تعهدات کشور به کنوانسیون مقابله با بیابانزایی برنامه عمران ملل متحد میباشد و از نتایج آن در فرایند بازنگری برنامه اقدام ملی و همسویی آن با استراتژی ده ساله کنوانسیون استفاده خواهد شد.



## اولین کارگاه «ظرفیت سازی مدیریت مشارکتی در فرآیند همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی»

شیراز، ۴ و ۵ تیر ماه ۱۳۹۲

اولین کارگاه منطقه‌ای «ظرفیت‌سازی مدیریت مشارکتی در فرآیند همسوسازی برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی با استراتژی ده ساله کنوانسیون» در تاریخ‌های ۴ و ۵ تیر ماه ۱۳۹۲ با شرکت ۴۰ نفر از نمایندگان گروههای ذینفع در اداره کل منابع طبیعی استان فارس - شیراز برگزار شد.



برگزارکنندگان این کارگاه عبارت بودند از:

- دفتر ترویج و آموزش سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور؛
- دبیرخانه کارگروه ملی مقابله با بیابانزایی؛
- اداره کل منابع طبیعی استان فارس؛
- و موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست (سازمان مردم نهاد عضو در کنوانسیون مقابله با بیابانزایی و عضو شبکه جهانی مقابله با بیابانزایی (دراینت-Drynet).

هدف کلی از برگزاری این کارگاه جلب مشارکت، توانمندسازی و ارتقاء ظرفیت گروههای ذینفع

منابع طبیعی منجر به تضعیف آن در حیطه فعالیت‌ها و اقداماتش می‌گردد و عملاً دستگاه منابع طبیعی نمی‌تواند مدیریت جامع بر عرصه‌ها داشته باشد. ایشان نتیجه دست‌یابی به نتیجه مطلوب از چنین کارگاه‌هایی را در گرو انتقال و اتصال نتایج آن به مجلس و قانون‌گذاران مرتبط دانستند و خواهان در جریان قرار گرفتن مسئولین و مدیران کلان و انعکاس نتایج و خروجی‌های کارگاه‌های مذکور به آنان شدند.

**مهندس جواهری**، معاون فنی اداره کل منابع طبیعی فارس، با اشاره به نام‌گذاری سال ۲۰۰۷ به نام بیابان و سال ۲۰۱۱ به نام جنگل، بیان کردند اهمیت منابع طبیعی و رفع چالش‌های مربوط به آن از مهمترین مسائل دنیای امروز می‌باشد. ما در حال حاضر با چالش‌هایی در حوزه منابع طبیعی مواجه هستیم که به سبب عواملی چون ضعف بودن مشارکت مردمی، هماهنگی و یکپارچه نبودن دستگاه‌های مختلف با مردم، عدم جامع‌نگری در طرح‌ها، تعریف پروژه‌ها در سطح وسیع و ایجاد مشکلات عدیده بعدی به لحاظ بزرگی پروژه، می‌باشد.

**دکتر بدری پور**، مسئول هماهنگی دبیرخانه کارگروه ملی مقابله با بیابانزایی با اشاره به آمار روزافزون تخریب سرزمین و بیابانی شدن عرصه‌ها (سالانه ۱۲ میلیون هکتار) و افزایش نیاز به غذا، آب و انرژی بیان کردند تمامی این نیازها از جمله مواردی است که باعث تخریب سرزمین میشوند و باید چاره‌ای اندیشید. ایشان با توضیحاتی در مورد کنوانسیون مقابله با بیابانزایی و عضویت ایران به عنوان سومین کشور امضا کننده بیان کرد: کشور ما در سال ۱۳۸۱ اقدام به تهیه

**مهندس بردبار**، مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان با بیان برخی از تجربیات مرتبط با مدیریت مشارکتی منابع طبیعی در استان فارس، بر اهمیت برگزاری این کارگاه تاکید و بیان کردند: مشارکت مردم و بهره‌برداران در حفاظت از عرصه‌های منابع طبیعی بسیار حائز اهمیت و یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان است چرا که بدون مشارکت مردم، عرصه‌های منابع طبیعی با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد شد. ایشان اضافه کردند ما نمیتوانیم سازمانی را بیابیم که در مورد منابع طبیعی کاملاً مسئول باشد، مثلاً در بحث بهره‌برداری از معادن، نقش اداره کل تنها به دادن یک استعلام محدود میشود و در زمان تخلف بهره‌بردار و برخورد با وی، طرف اداری و قانونی آنان سازمان صنایع است. در واقع مشخص نبودن جایگاه





## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

سازمانهای دولتی، سازمانهای جوامع بومی و محلی و نمایندگان سازمانهای مردم نهاد در این دو روز، فرصت خوبی است که بتوانند در مورد چالشهای منابع طبیعی، تخریب سرزمین و راهکارهای مقابله با این چالش ها، به تبادل افکار و تشریح مساعی بپردازند. ایشان اضافه کردند روش اجرای کارگاه استفاده از روشهای مشارکتی همچون بارش افکار و بکارگیری رویکرد «تحقیق مشارکتی برای اقدام» در مورد مدیریت پایدار منابع طبیعی و کاهش تخریب سرزمین خواهد بود. ضمن اینکه در تمام مراحل اجرای کارگاه، اصل بر اجماع نظر نمایندگان تمام گروهها و بحثهای سازنده در هر موضوع برای دستیابی به راهکارهای مورد انتظار خواهد بود.



### محورهای کارگاه و تشکیل کارگروهها

بعد از سخنرانی های اولیه و معارفه شرکت کنندگان کارگاه کار خود را با تشکیل سه گروه کاری: سازمانهای دولتی، سازمانهای مردم نهاد و سازمانهای جوامع بومی و محلی و دنبال کردن ۴ محور زیر در موضوع بیابانزایی و تخریب سرزمین، آغاز کرد:

برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی کرد. اما با توجه به پایشهای انجام شده توسط کنوانسیون، اقدامهای انجام گرفته در جهت جلوگیری از تخریب سرزمین توسط کشورها عضو کنوانسیون همسو نبوده و دارای ضعفهایی میباشد. بنابراین کنوانسیون در جهت رفع این ضعفها استراتژی ده ساله را تهیه و تا آخر سال ۲۰۱۴، هشتاد (۸۰) درصد کشورهای عضو را ملزم به بازنگری برنامه اقدام ملی و همسو کردن آن با هدفهای استراتژی ده ساله کرده است. ما نیز در ایران در سطح ملی گرد هم آمدیم و کار گروه ملی مقابله با بیابانزایی را با عضویت اکثر سازمانها و وزارتخانهها تشکیل دادیم تا بتوانیم با بهره گیری از تمام پتانسیل های مربوط برنامه اقدام ملی را به روز و همسوسازی برنامه اقدام ملی با استراتژی ده ساله را انجام دهیم. این کارگاه نیز در راستای همین هدف برگزار شده و کارگاههای دیگری نیز در دو استان دیگر و سطح ملی برگزار خواهد شد که تکمیل کننده این فرآیند خواهند بود.



دکتر فرور، رئیس هیئت مدیره موسسه توسعه پایدار و محیط زیست، ضمن تشکر از تمام دست اندرکاران و حامیان برگزاری کارگاه، در مورد برنامههای دو روز کارگاه توضیحاتی ارائه و بیان کردند حضور نمایندگان

۱- بررسی وضع موجود و چالش‌های مربوط به تخریب سرزمین (مشکل‌یابی و طبقه‌بندی مشکلات)؛



۳- تصور چشم‌انداز آینده مطلوب (یک تا دو نسل آینده)؛



۲- تحلیل مشارکتی مشکلات (رسم درخت مشکلات و بررسی سیر تاریخی (time-line)؛



۴- تهیه و ارائه نقشه راه (استراتژی) و برنامه اقدام.



براساس همین محورها شرکت کنندگان سه گروه کاری، با بکارگیری شیوه‌های مشارکتی، در طی دو روز به شناسایی چالش‌های موجود در منابع طبیعی، تخریب سرزمین، سیر تاریخی این امر، تحلیل رابطه علت و معلولی مشکلات، ترسیم چشم‌انداز مطلوب آینده، درآوردن نقشه راه و برنامه عمل پرداختند.





## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

کنفرانس شهر بن برگزار شد، توافق دولتها را در مورد پیشنهاد «به صفر رساندن تخریب سرزمین» به عنوان اصلی ترین هدف توسعه پایدار به خود جلب کرد. اصول دستیابی در «به صفر رساندن تخریب سرزمین» این است که از تخریب زمین‌های حاصلخیز و مولد جلوگیری شود و اراضی تخریب شده نیز احیاء و بازسازی گردد. پیشنهاد دستیابی به این امر — «به صفر رساندن تخریب سرزمین» — هدف‌های زیر را دنبال میکند:

- به صفر رساندن تخریب سرزمین تا سال ۲۰۳۰؛
- به صفر رساندن تخریب جنگلها تا سال ۲۰۳۰؛
- و سیاست‌های اجرا شده در مقابله با خشکسالی در تمام کشورهای تحت تاثیر تا سال ۲۰۲۰.



دستیابی به این هدفها، نیازمند درک شرایط مناطق خشک و چالش‌های در هم تنیده آن است. پیچیدگی جنبه‌های مختلف بیو فیزیکی و اقتصادی- اجتماعی حاکم بر این مناطق اغلب به درستی شناخته نمیشود. اگرچه باید خاطر نشان کرد که تخریب سرزمین تنها منحصر به مناطق خشک نیست و دیگر اکوسیستم‌ها نیز تحت تاثیر تخریب سرزمین هستند. لذا اصلی ترین

### هدف کنوانسیون مقابله با بیابانزایی: توقف کامل و «به صفر رساندن تخریب سرزمین»<sup>۴</sup> تا سال ۲۰۳۰



«به صفر رساندن تخریب سرزمین» تا سال ۲۰۳۰، آرمانی روشن و مشخص در راستای نیل به توسعه پایدار می‌باشد که در کنفرانس جهانی ریو ۲۰+ توسط کشورها هدف گذاری شد. تحقق این هدف از طریق دستیابی به توسعه پایدار و تامین امنیت سرزمین و خاک، و نیز امنیت غذایی و ریشه کن کردن فقر میسر خواهد شد. استفاده پایدار از سرزمین یک شرط لازم و ضروری برای حصول اطمینان از امنیت آب، غذا و انرژی در آینده است. در حال حاضر با توجه به بهره‌برداری‌های بیش از ظرفیت و افزایش فشارهای فزاینده ناشی از فعالیت‌های انسانی در بخش‌های کشاورزی، جنگل، مرتع، انرژی و توسعه شهری، نیاز است تا اقدام عاجلی در جهت جلوگیری از تخریب سرزمین به عمل آید.

یازدهمین نشست کمیته نظارتی بر اجرای کنوانسیون مقابله با بیابانزایی که در آوریل ۲۰۱۳ در مرکز

<sup>۴</sup> Zero Net Land Degradation

به صفر رساندن تخریب سرزمین برای بسیاری از دولت‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که این امر می‌تواند هم به عنوان منبع جدیدی از درآمد برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده و هم ابزاری کارآمد در راستای بهبود کیفیت زیست محیطی کشورهای توسعه یافته تلقی شود.

با این حال برخی از کشورها، نگرانی‌هایی در مورد نیل به هدف «به صفر رساندن تخریب سرزمین» ابراز نموده‌اند. سوال اصلی این است که حد مجاز تخریب در فرایند توسعه چگونه تعیین می‌شود. رویکرد زیرکانه‌ای که در این ارتباط می‌تواند بکار گرفته شود این است که شاخصهای اصلی ارزیابی و پایش خدمات اکوسیستم همچون میزان مواد ارگانیک خاک و یا چرخه آب برای دستیابی به هدف فوق بکار گرفته شود.

هدف «به صفر رساندن تخریب سرزمین» نیازمند حمایت و جانبداری بیشتری از سوی نهادهای علمی و سیاستگذاری می‌باشد. آنچه که در این ارتباط ضروری به نظر می‌رسد این است که فرایند مدیریت پایدار سرزمین نیازمند بازنگری روشهای گذشته و برپایی یک مهندسی جدید می‌باشد. جنبه‌های مختلف بیوفیزیکی و اقتصادی اجتماعی تخریب سرزمین ایجاب می‌نماید تا چالش‌های زیربنایی همچون فقر، عدم آگاهی، کمبود منابع و ظرفیتهای لازم در مقوله تخریب سرزمین شناسایی شود این امر نیازمند همکاری و هماهنگی موثر میان جوامع مدنی، دانشمندان و سیاست گذاران می‌باشد. این نکته مورد تاکید است که مسئله بیابانزایی، تخریب سرزمین و خشکسالی (DLDD) تنها یک معضل و چالش محلی

جزء در مفهوم تخریب سرزمین رفع چالش‌ها و نواقص موجود در دانش تخریب سرزمین و درک مناسب نیازهای اکولوژیکی و عملکرد خاک و عوامل در تاثیر و تاثر از آن است.



یکی از گزینه‌هایی که توسط دکتر گرینگر از دانشگاه لیدز در مستندسازی و شناسایی مصادیق بیابانزایی پیشنهاد شده، شکل‌گیری نهاد جهانی ثبت مشاهدات مناطق خشک است که این امر به نوبه خود نیازمند بستر سازی لازم برای پایش و اندازه‌گیری تخریب سرزمین می‌باشد.

### Is Zero Net Land Degradation in Dry Areas a Feasible Operational Goal?



Alan Grainger  
University of Leeds



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

- پشتیبانی و همکاری با دولت در جمع آوری شواهد و اطلاعات مورد نیاز در معرفی و اندازه گیری شاخص‌های موثر برای پایش فرآیند تخریب سرزمین در مقیاس ملی.

و ملی نیست بلکه پیامدهای ناشی از آن در هر نقطه از جهان که ایجاد شود می‌تواند در سطوح دیگر بازتاب داشته و جامعه جهانی را متاثر نماید. بنابراین لازم است تا یک چارچوب و سازوکار بین‌المللی برای راهنمایی تصمیم‌گیران و جوامع بومی و محلی در امر کاهش تخریب سرزمین و احیاء عرصه‌های تخریب یافته ایجاد گردد.

### میزگرد چالش‌های منابع طبیعی در ایران - مناظره دولتی‌ها و غیردولتی‌ها بر سر منابع طبیعی ملی

به نقل از گروه منابع طبیعی سبزپرس، میزگرد چالش‌های منابع طبیعی ایران در موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور با حضور نمایندگان از سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان محیط‌زیست و منابع طبیعی، چهره‌های دانشگاهی، مسئولان سازمان جنگل‌ها و مراتع، سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارت نیرو برگزار شد.

این همایش با حضور علیرضا دائمی - معاون آب و آبفای وزارت نیرو، محمد درویش - عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، تقی شامخی - استاد دانشگاه تهران، کاظم نصرتی - رئیس جامعه جنگل‌بانی، پرویز گرشاسبی - معاون آبخیزداری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، احمدعلی کیخا - معاون محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط‌زیست و هدایت فهمی - کارشناس آب وزارت نیرو برگزار شد.

آقای دائمی، معاون آب و آبفای وزارت نیرو گفت: در منابع آب به خطوط قرمز چالش‌ها نزدیک شده ایم. اگر به رودخانه زاینده رود مراجعه کنیم، با چالش روبرو هستیم. خشک شدن دریاچه ارومیه نیز از چالش‌های بزرگ ما در بخش آب است. چالش بزرگ



توصیه‌های عمومی و فرصت‌های مشارکت جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی در «به صفر رساندن تخریب سرزمین»

- تعیین اهمیت محلی بیابانزایی، تخریب سرزمین و خشکسالی به لحاظ امنیت اقتصادی - اجتماعی و پایداری زیست محیطی
- بررسی پیامدهای بین‌المللی - بیابانزایی، تخریب سرزمین و خشکسالی - تعیین اینکه چه چیزی در سطح ملی قابل بررسی است و چه چیزی نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است؟
- در سطح اکوسیستم نیز می‌باشند؛
- پشتیبانی از دولت برای شناسایی و انجام اقدامات عادلانه برای احیاء و بازسازی اراضی تخریب شده در انواع اکوسیستم‌ها منجمله: مراتع، جنگل‌ها، تالاب‌ها، کوهستان و غیره؛

رعایت اصول توسعه پایدار، اولویت بندی صحیح با اعمال حکمرانی خوب و تخصیص بهینه آب با استفاده از روش‌های سازه‌ای و غیر سازه‌ای است. او اضافه کرد: توسعه پایدار بحثی یک وجهی نیست و ما نمی‌توانیم توسعه پایدار کشور را متوقف کنیم. باید در فرایند توسعه، با حفظ اکوسیستم پیش رویم.

### درویش: اعتبار برای سدسازی وجود دارد. اما برای افزایش راندمان کشاورزی نه!

در ادامه «محمد درویش» عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع به مسئله آب‌های زیرزمینی و چاه‌های غیرمجاز پرداخت و گفت: تعداد چاه‌های حفر شده در کشور در طی ۱۷ سال گذشته از ۳۳۶ هزار با افزایش ۹۳ درصدی به ۶۵۰ هزار حلقه رسیده که میزان تخلیه آب آنها فقط ۲۶ درصد رشد داشته است. این در شرایطی است که طی شش سال اخیر به رغم افزایش شمار چاه‌ها، میزان برداشت آب عملاً ثابت مانده است. او گفت متوسط آبدهی سالانه هر حلقه چاه از حدود ۱۷۴ هزار متر مکعب در دهه ۶۰ به نصف یعنی حدود ۴۴ هزار متر مکعب کاهش یافته است. به گفته این کارشناس منابع طبیعی، به رغم اجبار دولت مبنی بر کاستن از تراز منفی سطح آبخوان‌های کشور در طول سه برنامه پنج ساله سوم، چهارم و پنجم توسعه، در انتهای دومین سال از اجرای برنامه پنج ساله پنجم، هنوز هم با افزایش برداشت از چاه‌ها، افت آب‌های زیرزمینی و نشست زمین روبرو هستیم. درویش خاطر نشان کرد: در دنیا فقط ۴۰ درصد محصولات کشاورزی مربوط به کشت آبی است اما در کشور ما ۸۹ درصد با کشت آبی صورت می‌گیرد. مثلاً در حاشیه دریاچه سد «زرینه رود» که

دیگر، مسئله آب‌های زیرزمینی و فرونشست زمین و برداشت‌های بی‌رویه از این آب‌های زیرزمینی است.

### در منابع آب به خطوط قرمز چالش‌ها نزدیک شده ایم. اگر به رودخانه زاینده رود مراجعه کنیم. با چالش روبرو هستیم. خشک شدن دریاچه ارومیه نیز از چالش‌های بزرگ ما در بخش آب است.

در حال حاضر تراز آب‌های زیرزمینی از ۷۰ به ۱۲۰ متر افت کرده و در جای جای کشور با مسایل افت کیفیت در آب‌های زیرزمینی و سطحی روبرو هستیم. معاون وزیر نیرو افزود: در حال حاضر فاضلاب‌ها و مواد مسموم وارد سیستم آب‌ها می‌شود و ما قادر به اعلام آن نیستیم. ظرفیت آبدهی رودخانه‌های کشور به



کمتر از ۶۰ درصد رسیده است. اما برای رفع این چالش‌ها برنامه‌های گسترده‌ای در دست داریم. او ادامه داد، در حال حاضر

شاخص مصرف سرانه آب در کشور ما ۲۵۵ لیتر در هر شبانه روز است در حالی که در اروپا این عدد بین ۱۴۰ تا ۱۶۰ لیتر است. دائمی تاکید کرد: ما از دوران فراوانی به سوی دوران محدودیت در حال حرکتیم و فشارها در حال سنگین شدن است به نحوی که به نقطه عطف رسیده ایم. ما نمی‌توانیم با همان الگوهای سابق، کشور را حفظ کنیم. ضمن اینکه راه‌حل برون‌رفت از این وضعیت برنامه‌ریزی منابع آب، ایجاد تعادل بین منابع آب و مصارف بخش‌های مختلف،



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

### گرشاسبی: «ایشار» دانشگاهیان لازمه مدیریت صحیح منابع طبیعی است

پرویز گرشاسبی در این پنل گفت: یکی از معضلات ما در مسایل منابع طبیعی، این است که به فیزیک منابع طبیعی پرداخته‌ایم و کمتر به بحث انسان در منابع طبیعی پرداخته‌ایم. این به معنای آن است که در مدیریت منابع طبیعی، باید منافع انسانی و حفاظت منابع طبیعی را در کنار هم در نظر بگیریم.

او ادامه داد: ما منابع طبیعی را دولتی مدیریت می‌کنیم در حالی که باید با عبور از این رویکرد مردم را در مدیریت منابع طبیعی دخیل کنیم. ایشان اضافه کردند: اقتصاد منابع طبیعی مقوله‌ای است که به دست فراموشی سپرده شده و همین فراموشی باعث تخریب منابع طبیعی شده است. ما به اقتصاد دراز مدت منابع طبیعی نپرداخته‌ایم و همین رویکرد است که امروز می‌بینیم که عنوان می‌شود مراتع کم بازده چون سود اقتصادی ندارند، باید تغییر کاربری داده شوند. او در ادامه با بیان اینکه میزان آگاهی‌های مردم در باره منابع طبیعی در ایران پایین است تصریح کرد: در ایران ۱۲ درصد مردم درباره اینکه منابع طبیعی چیست، اطلاعات دارند اما میانگین جهانی حدود ۲۵ درصد است. گرشاسبی در بخش دیگری از سخنان خود، به «ایشار قشرهای دانشگاهی و صاحب‌نظران منابع طبیعی» پرداخت و گفت: ایشار باید در تمام زمینه‌ها وجود داشته باشد. بنده در مدت خدمتم، کمتر دیده‌ام که دوستان دانشگاهی بخواهند بدون چشم داشت اطلاعات خود را به رشته تحریر

روی ورودی دریاچه ارومیه احداث شده، تمام مراتع اطراف به کشت آبی تبدیل شده و نه دیم! در حالی که در ایران، میزان تبخیر هشت برابر میزان بارندگی است. او با بیان اینکه بالا رفتن راندمان آبی زمین‌های کشاورزی، مهمترین نیاز مدیریت آب امروز کشور است گفت: همواره گفته می‌شود که این کار نیاز به اعتبارات دارد و در یکی از استان‌ها این رقم اعتباری حدود دو هزار میلیارد تومان عنوان شده بود اما از آنجایی که سیاست سد سازی و سیاست سازه‌ای اولویت مدیریت آب کشور است.



سد گتوند با بودجه سه هزار میلیارد تومان افتتاح می‌شود و سد بختیاری با اعتبار سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان کلنگ احداث می‌خورد اما برای افزایش راندمان آبی زمین‌های کشاورزی اعتباری وجود ندارد پس از سخنان درویش، پنل کارشناسان با حضور «تقی شامخی» استاد دانشگاه تهران، «کازم نصرتی» رئیس جامعه جنگلبانی، «پرویز گرشاسبی»، معاون آبخیزداری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، «احمدعلی کیخا» معاون محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط‌زیست و «هدایت فهمی» کارشناس آب وزارت نیرو آغاز به کار کرد.

### شامخی: مسایل منابع طبیعی را با حوصله پیگیری کنید.

دکتر تقی شامخی در ابتدا خطاب به جوانان حاضر در نشست گفت: مایه خوشحالی است که جوانان ما با این اشتیاق به مسایل منابع طبیعی علاقه نشان می‌دهند. از جوانان می‌خواهم که در این راه خسته نشوند. ما در کشور چالش‌های زیادی داریم و باید با صبر و حوصله آنها را حل و فصل کنیم. او در ادامه گفت: از زمان انقلاب مشروطه در قوانین کشور، حفاظت از جنگل‌ها مطرح شده و این قوانین قدمتی ۱۰۷ ساله دارد. این استاد دانشگاه با ذکر این سوال که «چه شده که امروز طبیعت‌مان را اینگونه نابود می‌کنیم» به بیان فهرست‌وار چند دلیل تخریب منابع طبیعی پرداخت.

### کیخا: مسئولیت همه تخریب‌ها را به گردن می‌گیرم!

احمدعلی کیخا نیز سخنران بعدی پنل، در ابتدا با لحنی طنزگونه خطاب به حاضران گفت: اگر به دنبال مسئول و عامل این تخریب‌ها می‌گردیم، بنده مسئولیت تمامی این تخریب‌ها را از ۱۰۰ سال قبل تا امروز بعهده می‌گیرم! حالا سوال این است که باید چه کنیم؟ این نماینده دوره پیشین مجلس شورای اسلامی گفت: ما در کمیسیون کشاورزی مجلس تصویب کردیم که برای چاه‌های غیرمجاز مجوز صادر شود. این کاری اشتباه بود ولی چرا این قانون تصویب شد؟ او درباره دلیل تصویب این قانون گفت: از ۲۹۰ نفر نماینده در خانه ملت، تنها ۹ نفر داوطلب عضویت در کمیسیون کشاورزی بودند. اکثر نمایندگان نیز با

درآوردند. این مسئله در مدیریت منابع طبیعی بسیار مهم است در حالی که ما در آن بسیار ضعیف هستیم.

### نصرتی: آگاهی سیاستمداران منابع طبیعی را نجات می‌دهد

کاظم نصرتی در ادامه این پنل گفت: بدترین خصلتی که در وزارت‌خانه‌های فعال در عرصه‌های طبیعی به چشم می‌خورد این است که به حرف متخصصان توجهی نمی‌شود. او گفت: در کشور ما موضوعی وجود دارد که در بسیاری از کشورها وجود ندارد و آن اینکه در بسیاری از کشورها وقتی مسئولی باعث تخریب منابع طبیعی می‌شود از سمت خود کنار می‌رود اما در کشور ما چنین نیست و هیچ‌کس در برابر تخریب منابع طبیعی پاسخگو نیست. نصرتی تاکید کرد: راه برون رفت از این وضع، آگاهی سیاستمداران است. متأسفانه منابع طبیعی را دولتی کرده‌ایم و همه دولت‌ها آن را در جیب خود قرار داده و خرج کرده‌اند. اگر می‌خواهیم وطن پرستی‌مان را حفظ کنیم باید مسئولان را از اتفاقاتی که در منابع طبیعی می‌افتد، آگاه کنیم. او ادامه داد: پس از آگاهی مسئولان، باید حق شهروندی را به رسمیت بشناسیم. متأسفانه ما قانون خوب را تصویب کرده‌ایم اما خودمان آن را پنهانی به اجرا گذاشته‌ایم و دولتی اجرا کرده‌ایم. در آن جایی که به نفع مردم بوده و آنها را از حق و حقوق‌شان آگاه نکرده‌ایم. این مدیر بازنشسته سازمان جنگل‌ها و مراتع گفت: متأسفانه زد و بندها و بده بستان‌ها باعث تخریب کشور شده است، وقتی به این نقطه می‌رسیم که پارک پردیسان را در پایتخت بفروشیم، دیگر کجای طبیعت در امان است!؟



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

پیدا کرد. در انتها مهم‌ترین راهکارها برای خروج از بحرانی که منابع طبیعی کشور با آن روبروست، به شرح زیر معرفی شد:

- ۱- جلب مشارکت مردم و تسهیل در فعالیت تشکل‌های مردم‌نهاد؛
- ۲- اعمال مدیریت سرزمینی بر مبنای آموزه مدیریت به هم پیوسته منابع آب؛
- ۳- افزایش برنامه‌های جذاب دیداری، شنیداری و نوشتاری با محتوای محیط زیستی در رسانه‌ها؛
- ۴- اعمال سیاستگذاری درست و مبتنی بر توان بوم‌شناختی و آمایش سرزمین؛
- ۵- وضع قوانین کارآمد؛
- ۶- بهبود ساختار، جایگاه و تشکیلات مدیریت سرزمین در بدنه حاکمیت؛
- ۷- غلبه مدیریت تخصصی و شایسته سالاری در ارکان سازمان‌های منابع طبیعی و محیط زیست.



رای کشاورزان به مجلس راه پیدا کرده بودند. طبیعی است که در جمعی که اکثر افراد تخصصی ندارند و می‌خواهند رضایت مردم حوزه انتخابیه‌شان را به دست بیاورند، چنین قوانینی نیز به تصویب برسد. کیخا خاطر نشان کرد: متأسفانه تابع خواست‌های مردم با خواست‌های محیط‌زیستی یکسان نیست.



او گفت: ما یکسال تلاش کردیم تا وزارت نیرو را تفهیم کنیم که منافع سیل در منطقه سیستان بیشتر از ضررهای آن است و باید سدهای مسیر سیلاب برداشته شود که خوشبختانه چنین شد.

اظهارات کیخا، واکنشی منفی را از سوی برخی حضار به همراه داشت. یکی از حضار با بیان اینکه اگر مردم محلی به درستی آموزش ببینند و مشارکت داده شوند، خواسته‌هایی محیط‌زیستی خواهند داشت. اظهارات کیخا، واکنشی منفی را از سوی برخی حضار به همراه داشت. یکی از حضار بیان کرد اگر مردم محلی به درستی آموزش ببینند و مشارکت داده شوند، خواسته‌های محیط‌زیستی خواهند داشت. این میزگرد با پرسش و پاسخ و بعضاً جدل برخی حضاران و اعضای پنل بر سر مسایلی چون مدیریت آب، سدسازی، مشارکت جوامع محلی، رویکردهای دولتی به مدیریت منابع طبیعی و حفاظت محیط‌زیست ادامه

تا سال ۲۰۱۲ محقق نگردیده است. بر اساس ارزیابی‌های جهانی انتشار این گازها، بطور متوسط ۳ درصد در سال افزایش یافته. این میزان انتشار حتی از پیش بینی پانل بین الدول تغییرات اقلیم IPCC بر اساس سناریوی A1FI<sup>۵</sup> می باشد. بر اساس این سناریو، افزایش میزان دمای متوسط کره زمین در حدود ۴ درجه سانتیگراد (از ۲,۴ تا ۶,۴ درجه سانتیگراد) تا سال ۲۱۰۰ میلادی اتفاق خواهد افتاد. بر این اساس و به استناد شواهد عینی از آمار انتشار گازهای گلخانه‌ای، هم اکنون این نگرانی در اذهان جوامع علمی جهان وجود دارد که کشورها قادر نخواهند بود حد انتشار گازهای گلخانه‌ای را تا به حد آستانه تعریف شده افزایش کمتر از ۲ درجه دمای کره زمین تا سال ۲۱۰۰ دست یابند. مکانیسم‌های کاهش انتشار هر روز ابعاد پیچیده تری یافته و هزینه‌های سنگینی را رودرروی اقتصاد نه چندان قابل اعتماد جهانی قرار داده است.

عدم موفقیت سیاستهای جهانی و نیز عدم انجام تعهدات مطرح شده برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یکی از دلایل اصل شکل گیری و توسعه ایده‌های مهندسی زمین (Geo-engineering) بوده است. مهندسی زمین الگوی نسبتاً جدیدی است که بعنوان ایجاد تغییرات بزرگ مقیاس در محیط اتمسفری کره زمین برای مقابله با اثرات تغییرات آب و هوایی تعریف

### مهندسی زمین: فرصت و یا تهدید؟

## Geo-engineering; Opportunity or Threat?

### علی اکبر دماوندی

دانشجوی دکتری بیابانزدایی دانشگاه سمنان - مربی موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی

### وحید جعفریان

دانشجوی دکتری بیابانزدایی دانشگاه سمنان - عضو دبیرخانه کارگروه ملی بیابانزایی، سازمان جنگلها مراتع و آبخیزداری کشور

تغییر اقلیم در حال وقوع است. اثرات و هزینه‌های این پدیده بزرگ، جدی و غیر قابل اجتناب می باشد پیامدهای تغییر اقلیم ممکن است بواسطه اقداماتی همچون سازگاری و کاهش اثرات بویژه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تعدیل شود. اقداماتی که تاکنون برای کنترل پدیده تغییر اقلیم صورت گرفته است غالباً بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای متمرکز بوده اند. همچنین تلاشهایی برای شناسایی اثرات و پیامدهای تغییر اقلیم و سازگاری با این اثرات در برنامه‌های اخیر مجامع علمی و سیاستگذاری جهان مطرح گردیده است. به هر حال آنچه که در واقعیت اتفاق افتاده است دلالت بر این دارد که تلاشهای سیاسی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بویژه دی اکسیدکربن چندان موفقیت آمیز نبوده و تعهدات جهانی برای کاهش سطح این گازها در اتمسفر زمین

<sup>5</sup> The A1FI scenario is based on a future world of very rapid economic growth, a global population that peaks in mid-century and declines thereafter, and the rapid introduction of new and more efficient (but fossil fuel intensive) technologies (IPCC 2000a)



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

روشها هنوز شناخته نشده و روشهای ارزیابی قابل اعتمادی برای آن تعریف نگردیده است. بر این اساس ریسک و عدم اطمینان زیادی در رابطه با کارآمدی این روشها وجود دارد.

الگوی دوم شامل روشهای برداشت مستقیم گازهای گلخانه ای از اتمسفر، چالشها و عدم قطعیت کمتری نسبت به الگوی قبلی داشت ولی اثربخشی و اثرگذاری بسیار آهسته و بطئی در کاهش دمای جهانی اتمسفر دارند. به هر حال بنظر می رسد این روشها در آینده نقش مهمی در کاهش اثرات تغییر اقلیم ایفا نمایند.

واقعیت آن است که پذیرش مهندسی زمین تنها در گرو تصمیم نهادهای علمی نبوده و مباحث متعددی در حوزه مسائل اقتصادی اجتماعی، قوانین و سیاستگذاری در سطوح مختلف می بایست قبل از عملیاتی کردن ایدههای مهندسی زمین مورد حل و فصل قرار گیرد. در حال حاضر چالشهای جدی در این ارتباط بویژه از سوی برخی از کشورها، سازمانهای مستقل اجتماعی و شبکه های مردم نهاد مطرح شده و بنظر نمی رسد تا رفع این چالشها و ارائه پاسخهای قانع کننده و قابل اطمینان، الگوی مهندسی زمین بعنوان یک الگوی عملیاتی در مواجهه با تغییر اقلیم در نظر گرفته شود. یکی از مهمترین چالشهایی که از سوی مجامع سیاستگذاری ملی و منطقه ای در ارتباط با مهندسی زمین مطرح می شود عدم اطمینان از تغییرات کالاها و خدمات اکوسیستمها از جمله منابع آب می باشد که بویژه در مناطق مرزی و حوزه های

می گردد. مهندسی زمین روشهایی را مطرح نموده است که بطور بالقوه قابلیت کاهش گازهای گلخانه ای را دارند. به هر حال این ایده ها خالی از اشکال نبوده و همچنان سوالات زیادی در باره امکان پذیری، اثربخشی، هزینه ها و پیامدهای زیست محیطی آنها در بلند مدت و در مقیاسهای جهانی، منطقه ای و محلی وجود دارد.



ایدههای مهندسی زمین عموماً دو الگوی کلی را مطرح می نمایند. اولین الگو افزایش میزان انعکاس اشعه خورشید در سطوح بالای اتمسفر و در نتیجه کاهش دریافت انرژی خورشیدی در سطح زمین و جذب مستقیم دی اکسید کربن اتمسفر. الگوی انعکاس و بازتابش اشعه خورشیدی از نظر تئوریک اثرگذاری زیادی داشته و می تواند اثرات قابل توجهی بر بیلان انرژی و درجه حرارت زمین داشته باشد. از طرفی روشهای مرتبط با این الگو می تواند بسیاری از پارامترهای جوی را نیز بشدت تحت تاثیر قرار دهد. جریانهای اتمسفری و اقیانوسی الگوهای بارندگی و ارزیابیهای منطقه ای و محلی ناشی اعمال این

۳- جوامع علمی و تحقیقاتی می بایست تلاشهای خود را در زمینه یافتن روشهای کم خطر و قابل پیش بینی برای مواجهه با پدیده تغییر اقلیم ادامه دهند. توسعه روشهای شناسایی پیامدهای تغییر اقلیم، گسترش مشاهدات و تولید داده های مرتبط و ارائه شیوه های معقول و دور انیسانه و ثبت و اشائه نمونه های موفق مقابله با تغییر اقلیم از دیگر موارد مورد انتظار از مجامع و نهادهای علمی می باشد.

۴- مهندسی زمین هیچ جایگاهی برای رویکردهای آزمون شده جوامع محلی و بومی در مواجهه با پیامدهای تغییر اقلیم همچون خشکسالی باقی نگذاشته و دورنمای روشنی از عواقب تغییرات و مداخلات بزرگ مقیاس بشر در اکوسیستم پیچیده کره زمین بدست نمی دهد. در حالی که جوامع محلی و بهره برداران مستقیم از عرصه های منابع طبیعی، بیش از همه در معرض ریسک ومخاطرات مهندسی زمین قرار دارند. بر این اساس لازم و ضروری است که در صورت پیش بینی اقدامات مهندسی زمین حقوق و جایگاه این جوامع که کمتر گوش شنوایی در محافل علمی و آکادمیک دارند شناخته شده و تضمین گردد. در این ارتباط سازمانهای مردم نهاد می توانند و می بایست حساسیت لازم در مواجهه با این ایده های نوظهور داشته و صدای رسایی برای مردمان بومی و محلی باشند.

مشترک کشورها تحت تاثیر مهندسی زمین اتفاق خواهد افتاد.

### توصیه های کلیدی

۱- نظر به وجود ابهام و تردیدهای جدی در خصوص آثار و پیامدهای مهندسی زمین و عدم قطعیت و ریسک بالای روشهای عنوان شده ، تاکید بر این است که این الگو نبایست بعنوان یک ابزار برای توجیه عدم التزام به قوانین و چهارچوب های تعیین شده کنوانسیون تغییر اقلیم در نظر گرفته شود.



۲- اعضاء کنوانسیون تغییر اقلیم می بایست همچنان تلاشهای خود را در راستای کاهش انتشار و سازگاری با پیامدهای تغییر اقلیم ادامه داده و بر تعهدات خود نسبت به کاهش انتشار گازهای گلخانه ای به میزان حداقل ۵۰ درصد میزان انتشار در سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۵۰ التزام داشته باشند. هیچیک از مباحث مطرح شده در حوزه مهندسی زمین دلیلی بر کاهش این تلاشها نخواهد بود.



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

بیابانزایی، کاهش تخریب سرزمین و کاهش اثرات خشکسالی است که میبایست از طریق اقدامهای موثر ملی و بین‌المللی و همسو با «دستور کار ۲۱» در کشورهای تحت تاثیر انجام گیرد. این کنوانسیون به همکاری و مشارکت جهانی در رفع چالش فوق‌الذکر تاکید دارد و توسعه مشارکتی را به عنوان اصل و مبنای سیاستگذاری خود قرار داده است.

### بیابانزایی چالشی جهانی

بیابانزایی پس از دو چالش تغییرات اقلیم و کمبود آب شیرین، سومین مشکل بزرگ جامعه جهانی در قرن ۲۱ به شمار می‌رود. براساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی ۵ میلیارد هکتار از اراضی جهان در ۱۱۰ کشور با پدیده بیابان‌زایی روبرو هستند. با نام‌گذاری ۱ روز در سال — در تاریخ ۲۷ خرداد یا ۱۷ ژوئن — تحت عنوان «روز جهانی مقابله با بیابانزایی» تلاش میشود تا علاوه بر آشنا کردن مردم با این مسئله و جلب توجه جهانیان به تشدید بیابانزایی در بسیاری از کشورهای جهان، راهکارهایی برای مهار این پدیده پیدا شود.



در واقع بیابانزایی پیش از آنکه به چشم معضلی صرفاً طبیعی نگریسته شود، از درونمایه‌ای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متاثر است. درونمایه‌ای که به مراتب بر پیچیدگی‌های مبارزه و مقابله با آن می‌افزاید

### کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی

به علت فرامرسی بودن مقوله‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی و عدم توانایی کشورها در رفع چالش‌های حفاظت از مادر زمین، در سال ۱۹۹۲، بیش از صد نفر از سران جهان در کشور برزیل گرد هم آمدند و کنفرانس زمین (اجلاس ریو) را برگزار کردند. در این کنفرانس سران کشورها روی یک سری موضوع‌ها به توافق رسیدند که از جمله این توافقات می‌توان به «دستور کار ۲۱» و شکل‌گیری «کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی تغییر اقلیم، تنوع‌زیستی، بیابان‌زایی، آبهای شیرین و کنوانسیون رامسر» اشاره کرد.

### کنوانسیون مقابله با بیابانزایی ملل متحد



توافق کلی بر سر شکل‌گیری کنوانسیون مقابله با بیابانزایی ملل متحد در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس زمین توسط سران کشورهای تحت تاثیر خشکسالی و تخریب سرزمین انجام گرفت و در ۱۷ ژوئن سال ۱۹۹۴ این کنوانسیون به صورت رسمی مصوب شد و تا اکتبر همان سال ۶۸ کشور جهان عضو این کنوانسیون شد، ایران جزو نخستین کشورهایی بود که به عضویت این کنوانسیون درآمد. در حال حاضر کنوانسیون مقابله با بیابانزایی ۱۹۵ عضو دارد. مهمترین هدف‌های این کنوانسیون مقابله با پدیده

نتیجه آنکه بیابانزایی معضلی جهانی است و عوارض آن نه فقط ساکنان مناطق خشک، بلکه تقریباً کل ساکنان کره مسکون را که فعلاً در غفلت به سر میبرند تحت تاثیر قرار میدهد. ضمن اینکه بیابانزایی به عنوان یکی از ارکان اصلی چرخه شومی است که در هر کشور از فقر و سوء تغذیه آغاز شده و به فروافتهای جسمی و ذهنی، عدم کسب مهارت ها، و در نهایت افزایش وابستگی کشورها میشود. همه این موارد بر دامنه و شدت فقر افزوده در نتیجه فشار بر زمین، تخریب منابع و بیابانزایی نیز شدت میگیرد. به کلامی دیگر بیابانزایی هم بر فقر اثر گذاشته و هم از فقر تاثیر می پذیرد.

در مقابله با بیابانزایی و کاهش تخریب سرزمین، فرآیندهای لازم در جهت دستیابی به این امر، پیش از آنکه مقابله‌ای سخت افزاری و از جنس مدیریت سازه‌ای باشد، برخوردی نرم افزاری و غیر سازه‌ای را می‌طلبد. این حقیقتی است که روزانه بر شمار طرفداران این نظر در میان نخبگان تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز افزوده می‌شود. در یکی از آخرین گزارش‌های توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد، مقاله‌ای از یک نظریه پرداز برجسته آمده است که بیان میکند: «در سطوح درآمدی پایین و مراحل نخستین توسعه، رشد در آمد با میزان بالاتر تخریب محیط‌زیست همراه است اما از یک مرحله‌ای به بعد، درآمد بیشتر به بهبود محیط‌زیست اختصاص می‌یابد. (پانایوتو ۲۰۰۲). اندکی پیشتر از این سخن دبیر اجرایی کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی ملل متحد، صراحتاً مقابله با بیابان‌زایی را همان مبارزه با فقر معرفی میکند، (دیالو ۲۰۰۱). از طرفی گمان نمی

و هر نوع کوششی برای همسو کردن اقدام‌های جهانی را با دشواری‌های پیش بینی نشده‌ای روبرو می‌کند. به همین دلیل است که به اعتقاد اغلب کارشناسان «بیابانزایی در زمانی کوتاه علاج ناپذیر بوده و به خودی خود می‌تواند توسعه و تشدید یافته و هزینه‌های اصلاحی اش را به طور تصاعدی افزایش دهد».



حدود ۱/۳ میلیارد نفر در سراسر جهان از عواقب بیابانزایی در رنج هستند. کاهش ذخایر علوفه‌ای و غذایی، سوء تغذیه و بروز بیماری‌ها، افزایش فقر، قحطی، مرگ و میر، مهاجرت دسته جمعی، فزونی شمار پناهندگان، جنگ‌های داخلی، آشفتگی‌های سیاسی، نا آرامی‌های منطقه‌ای و حتی مداخله‌های نظامی تنها برخی از عواقب بیابان‌زایی هستند که لمس شده اند؛ چه بسا ناهنجاری‌های ژنتیکی و جهش‌های ناخواسته ژنتیکی در مناطق تحت تاثیر بیابانزایی چهره و تاریخ حیات گیاهی، جانوری و انسانی را به مرور و در طول قرون تغییر داده است و از جنبه جغرافیای زیستی حوزه انتشار و مسیر تحول موجودات زنده را متاثر می‌سازد.

## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

### تالابها در بستر مرگ مسوولان در انتظار جنازه!

#### عصر ایران، هومان دوراندیش

دستگاههای دولتی ما فکر می‌کنند که پروژه‌های عمرانی آنها بر هر چیزی مقدم است و هر کسی در مدت کوتاهی که مدیر یک نهاد دولتی است، باید پروژه خودش را فوری اجرا کند برود. کاری هم به عواقب و پیامدهایش ندارد. در قدیم فرهنگی عمومی در روستاهای ما وجود داشت که به زارع می‌گفت تو حق نداری رودخانه را خشک‌بند کنی؛ برای اینکه زارع پایین دستی تو هم حق استفاده از آب این رودخانه را دارد. یعنی تو به اندازه‌ای آب از رودخانه بردار که زارع پایین دستی تو بی آب نماند. اصلاً خشک‌بند کردن آب، ضد ارزش بود. این فرهنگ عمومی درباره تالابها مبنای عمل واقع نشد.

وضعیت نامطلوب تالابهای ایران، یکی از موارد تخریب محیط‌زیست در این سرزمین وسیع است. شرایط سیاسی اجتماعی جامعه ایران به گونه‌ای است که شعارهای زیست‌محیطی، هیچ سیاستمداری را به قدرت نمی‌رساند.

جنبش‌ها، احزاب، شعارها و دولت‌های دوستدار محیط‌زیست، پدیده‌هایی هستند که پس از رسیدن به توسعه، رخ می‌نمایند. در مسیر توسعه یافتگی، کمتر پیش می‌آید که دغدغه احزاب و دولت‌ها، دغدغه‌های زیست محیطی باشد. بعید نیست اگر بگوییم در ایران سده اخیر، حفاظت از محیط‌زیست نه دغدغه دولت بوده نه دغدغه ملت. پس عجیب نیست که تخریب محیط‌زیست در ایران، با روندی شتابان و فزاینده پیش رود. متن زیر گفتگویی است با دکتر علیرضا

رود که عامل نخست بیابانزایی، فقر باشد، هرچند که معمولاً فقیرترین افراد در نواحی‌ای مستقر میشوند که در شمار خطرناک‌ترین و نامساعدترین نواحی زیست محیطی جهان قلمداد شده و نسبت به تغییرات کمترین تحمل را دارند، (پیرس و وارفورد ۱۹۹۳). به عبارتی دیگر می‌توان اینگونه پنداشت که فقر دلیل واقعی فروافت کارایی زمین نیست بلکه مجرم اصلی ساز و کاری است که در سایه فقر عمل کرده و تخریب محیط‌زیست را به دنبال می‌آورد. چنین است که به نظر میرسد چاره‌ای نباشد جز آنکه به جای سوق دادن امکانات مادی و سرمایه‌ای و فکری خویش در مسیر ریشه‌یابی علل طبیعی بیابانزایی در پی ریشه‌یابی عمیق و همه‌جانبه دیگر علل آن در حوزه‌های اخلاق، اقتصاد، سیاست، حقوق و مذهب برآییم، چرا که به موازات ارتقاء، شاخص‌های توسعه انسانی در هر جامعه، شناسه‌های بیابانزایی نیز رو به زوال خواهد گذاشت.





زندگی گیاهی و جانوری پدید آمده، از بین می‌رود. تالاب نشانه سلامت حیات در یک محدوده است و از بین رفتن اش موجب به هم ریختن خیلی از سیستم‌های زیستی می‌شود. یعنی قطع ارتباط بین گیاهان و جانوران و «میکروالمان‌ها» و «ماکروالمان‌ها» و موجودات آبی و خشکی‌زی.

## آیا از بین رفتن تالاب یعنی خشک شدن تالاب؟ یا اینکه مصادیق دیگری هم می‌تواند داشته باشد؟

تالاب طبیعتاً با آب و رطوبت معنا پیدا می‌کند. حیات تالاب مبتنی بر رطوبت است. قطع منابع تالاب زمینه ساز نابودی آن و اکوسیستم پیچیده مبتنی بر آن است. قطع منبع آب تالاب به دو شکل امکان پذیر است. اول اینکه، اساساً اجازه ندهیم که آب از بالادست وارد تالاب شود؛ مثل آنچه که در دریاچه ارومیه شاهد آن هستیم.



حامدی درباره وضعیت تالاب‌های ایران. وی در این مصاحبه، نجات تالاب‌های ایران از تخریب و نابودی را نیازمند عزم ملی می‌داند. عزمی که مبانی آنرا همکاری مجموعه قوای دولت و آموزش یکایک افراد ملت تشکیل می‌دهد.

## تالاب چیست؟

مرجع بین‌المللی تعریف تالاب، کنوانسیون رامسر است که پیش از انقلاب در ایران تشکیل شد.

ماده ۱ کنوانسیون رامسر، مفهوم تالاب را این طور تعریف می‌کند: «عنوان تالاب به کلیه محیط‌های باتلاقی، آبگیر یا سیاه آب، تورب زار، سطوح آبی طبیعی یا مصنوعی، با آب دائمی یا موقت، با آب ساکن یا جاری، با آب شیرین یا لب شور و شور، به انضمام نواحی دریایی‌ای اطلاق می‌شود که عمق آن به هنگام جزر و مد کمتر از شش متر نباشد» در حقیقت هر نوع تجسمی که شما از یک محیط آبگیر در ذهنتان دارید، به درجات و با تنوع مختلف، یک محیط تالابی محسوب می‌شود.

## تالاب دقیقاً چه فوایدی دارد؟

تالاب کانون تجمع زیستی یک منطقه است. در یک حوزه جغرافیایی، جریان‌های گوناگون آبی، از بالاترین نقطه ارتفاعی سرازیر می‌شوند و سرانجام در محدوده‌ای تجمع می‌یابند. این تجمع آب و محیط پیرامونش، یعنی گیاهان و جانوران، در حقیقت سیستم پیچیده‌ای را ایجاد می‌کند که نماد حیات و تنوع زیستی یک منطقه است. اگر تالاب به هر علتی از بین برود، یک اکوسیستم پیچیده را، که همراه خودش یک کلیما ایجاد کرده و همراه با آن کلیما حیات و

## تالاب شادگان

ولی دریاچه‌ها و تالاب‌ها عمدتاً در مناطق مرتفع و یا مناطق خشکی داخلی محصور هستند.

### تالاب‌ها در جهان زیاد از بین می‌روند؟

تالاب‌ها بسته به شرایط اکولوژیک متفاوت کشورها، در معرض آسیب‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. معمولاً در کمربند گرم و خشک جهان، که فشار جمعیت برای آزادسازی منابع برای تولید کشاورزی بیشتر است، تالاب‌ها هم مثل جنگل‌ها و سایر منابع باارزش زیستی، در معرض آسیب و نابودی قرار می‌گیرند. تالاب‌ها بویژه در مناطقی که از نظر میزان بارش تهدید می‌شوند و مدیریت دقیقی هم بر آنها اعمال نمی‌شود، از بین می‌روند. تالاب‌هایی که در عراق بودند و از رژیم سیلابی و رودخانه‌ای فرات و دجله تغذیه می‌کردند و یا تالاب بزرگ اورال به دلیل انحراف آب از بین رفته و عوارض سنگین زیست محیطی بر جای گذاشته‌اند. تخریب تالاب‌های عراق، منجر به شکل‌گیری گرد و خاکی شده است که ریزگردهایش در خوزستان و ایلام و حتی فارس و اصفهان و تهران هم دیده می‌شود.



خیلی از تالاب‌های دیگر ایران نیز، نظیر پریشان، بختگان، هورالعظیم و شادگان، که در بالادستان برداشت‌های بزرگ آب صورت گرفته، چنین وضعی دارند و در معرض تهدید هستند.

دوم اینکه، زمین‌های پایین دست تالاب را زه‌کشی و آب را از تالاب خارج کرده و تالاب را از بین برده‌اند. تالاب‌هایی مثل آهوچر و شاتور در خوزستان به این سرنوشت دچار شده‌اند. آب تالاب انزلی هم به همین شکل خارج شده و بستر خشکش به کشاورزی اختصاص یافته است.

### دریاچه ارومیه هم تالاب محسوب می‌شود؟

چون به کلیه محیط‌های آبی با سطوح آبی گوناگون، با آب شور، شیرین و لب شور، تالاب گفته می‌شود. دریاچه ارومیه، دریاچه بسته‌ای است که حجم بزرگی از آب را در سطح وسیعی ذخیره می‌کند. مطابق تعریف تالاب، دریاچه ارومیه و باتلاق گاوخونی، هر دو مصداق تالاب هستند.

### بسته بودن شرط تعریف تالاب است؟

تفاوت جایی مثل خلیج فارس با دریاچه ارومیه، در محصور نبودنش از جانب خشکی است.

### پس چرا دریای خزر را تالاب محسوب نمی‌کنند؟

دریای خزر بازمانده یک دریای بزرگ است و به همین دلیل و نیز به دلایلی چون وسعت، حجم، تنوع حیاتی‌اش، جزو دریاچه‌های بزرگ دنیاست. دریای خزر حتی از سطح دریاهای آزاد دنیا پایین تر است.

### تالاب هورالعظیم

منابع تغذیه تالاب هورالعظیم:

۱- دجله و فرات

۲- کرخه.

ورود آب این سه رود به هورالعظیم، به شدت محدود شده است. تالاب بختگان در حوزه فارس و یا تالاب شادگان در خوزستان نیز منابع تغذیه کننده شان محدود شده است.



اما به غیر از محدود شدن منابع تغذیه کننده تالابها در ایران، بعضی از تالابها نیز مثل شائور در خوزستان و آهوچر در فارس زهکشی شده و به کلی از بین رفته اند. تالابهایی هم که باقی مانده اند، کیفیت زیستی شان در اثر آلودگی آب منابع تغذیه کننده شان، به شدت افت کرده است. یعنی آنچه هم از تالابهای ایران باقی مانده است، در معرض تهدید منابع آلوده کننده قرار دارد.

برداشت بی اندازه آب در ترکیه، موجب از بین رفتن تالابهای پایین دست در عراق شده و اراضی لخت و خشک در معرض تابش و باد قرار گرفته اند و ریزگردهایی را تولید می کنند که آسیبش به ما هم می رسد.

### در ایران چطور؟ تا به حال تالابهای زیادی از بین رفته اند؟

در ایران، عموم تالابها در معرض تهدید جدید هستند. ایران جزو کمربند گرم و خشک جهان است و به ویژه در چهل سال گذشته، که طرحهای توسعه منابع آب در ایران شروع شده و توسعه زراعی و نیز توسعه هیدروالکتریک منوط شده است به توسعه سدسازی، بسیاری از منابع تغذیه کننده تالابها، یعنی سیلابهای کوتاه مدت، از طریق سدها محصور شده اند. در ایران پانصد سد در اندازه های گوناگون ساخته شده است که حداقل ده تا پانزده درصد آنها، جزو سدهای بزرگ جهان محسوب می شوند.

وقتی که شما در مدیریت منابع آب، بر ذخیره سیلابهای بزرگ معطوف می شوید، تالابهای حوزه مرکزی کشور را که منبع اکوسیستم مرکزی کشورند، در معرض خطر قرار می دهید.

دریاچه ارومیه، نمونه بارز این وضع است. توسعه کشاورزی و سدسازی در این منطقه، منابع تغذیه کننده دریاچه ارومیه را محدود کرده است. در نتیجه این وضع، در خشکسالی های چند سال گذشته، منبع تغذیه دریاچه ارومیه به طور جدی آسیب دیده است.



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

اکوسیستم آبی محیط حساسی است نسبه به شیرابه‌های سمی‌ای که از مواد زائد جامد ترشح می‌شود.



Photo: M. Mahjoob mehdimahjoob@gmail.com

### آیا مسئولیت حفاظت از تالاب‌ها در ایران، فقط

### بر عهده سازمان حفاظت محیط‌زیست است؟

بله. یکی از مسئولیت‌های اصلی معاونت محیط طبیعی، مدیریت و حفاظت از تالاب‌هاست.

### چرا اقدامات این سازمان برای حفاظت از

### تالابها، کم‌ثمر بوده است؟

سازمان حفاظت محیط‌زیست در زمینه‌های گوناگون پژوهشی و عملی، اقداماتی را انجام داده است ولی نکته کلیدی این است که حفاظت از تالاب‌ها، امری فراسازمانی است. این‌طور نیست که سازمان محیط‌زیست با امکانات محدودش به تنهایی بتواند از عهده حفاظت از تالاب‌ها برآید.

آسیب‌پذیری تالاب‌ها عمدتاً از بالادست اتفاق می‌افتد نه در متن تالاب. فرایند تخریب تالاب، گاهی از فاصله‌های چندصد کیلومتری شروع می‌شود؛ زیرا هر

### آیا منابع تغذیه‌کننده تالاب‌ها، معمولاً رودخانه و سیلاب است؟

بله. رودخانه و سیلاب‌هایی که در مواقع بارندگی شکل می‌گیرند؟

### مهمترین تالاب‌های ایران کدامند؟

تالاب انزلی، دریاچه ارومیه، تالاب‌های شادگان، پریشان، گاوخونی، هورالعظیم، طشک و بختگان و تالاب‌های دیگر در گیلان و سایر استان‌ها که الان نام همه آنها در حافظه من نیست.

### بین همین تالاب‌ها، به غیر از دریاچه ارومیه، که

### همه می‌دانیم در چه شرایطی قرار دارد،

### کدامشان با خطر بیشتری مواجه هستند؟

گاوخونی در اصفهان، هورالعظیم و شادگان در خوزستان (با تقلیل سطح به یک دوم)، طشک و بختگان در فارس (با تقلیل سطح به یک سوم) و نیز تالاب پریشان که منابع تغذیه‌کننده اش آسیب جدی دیده است، بیش از همه در معرض تهدیداند.

### تالاب انزلی

تالاب انزلی به علت تخلیه زباله‌های شهر رشت در جنگل‌های سراوان و گیلان، بیشتر در معرض تخریب کیفی قرار دارد. شیرابه پساب مواد زائد جامد در رودخانه‌های تغذیه‌کننده تالاب انزلی تخلیه می‌شود و کیفیت این تالاب را مخدوش کرده است. آبی که وارد تالاب انزلی می‌شود به شدت آلوده است و شیرابه زباله شهر رشت را با خودش به درون تالاب می‌آورد.

بدون آموزش مردم محلی، چه در حوزه شهری و چه در حوزه روستایی، عملاً هیچ کاری برای نجات تالابها نمی توان داد. حداکثر می توان از شکار پرندگان جلوگیری کرد.



### مجموعه نهادهای دولتی، چه اقداماتی برای حفاظت از تالابها انجام داده اند؟

نهادهای مسئول همیشه بعد از اینکه فرایند بیماری به مرگ منجر می شود، جمع می شوند تا جنازه را احیا کنند. در حقیقت پیشگیری از وقوع مرگ در دستور کار نیست. مثلاً الان که تالاب ارومیه در معرض مرگ قرار گرفته، همه اندیشه ها معطوف به این است که چه باید کرد؟ و پروژه هایی مطرح می شوند که اجرای خیلی از آنها، دیگر امکان پذیر هم نیست. حتی طبیبانی هم پیدا می شوند که می گویند این جنازه را به اتاق تشریح ببریم تا لااقل در آن جا به درد بخورد! لذا عزم ملی برای مدیریت و حفاظت از اکوسیستم های با ارزش، که تالابها یکی از این اکوسیستمها هستند لازم است. مثلاً صدا و سیما می تواند نقش زیادی در ایجاد این عزم ملی داشته باشد اما هیچ کمکی به تحقق آن نمی کند. اینکه گاهی یک تالاب از جنبه زیبایی شناسانه نشان داده شود، خیلی فرق

تالابی یک حوزه آبریز وسیع دارد و در این حوزه وسیع است که فعل و انفعالات تخریبی آغاز می شود. برداشت آب بدون در نظر گرفتن تالاب، تخریب منابع آب، جلوگیری از ورود آب به رودخانه و انتقالش به تالاب، اموری هستند که از حوزه اختیار سازمان محیط زیست خارج اند. پس همه سازمانها باید همکاری کنند تا نتیجه مطلوب حاصل شود. سازمان حفاظت محیط زیست، توان کنترل همه این عوامل را ندارد. در نتیجه، مسئولیتش محدود می شود به آنچه که در بدنه آبی تالاب رخ می دهد؛ یعنی زمانی که فرایند تخریب به انتها رسیده است. دست این سازمان خیلی باز نیست.

اقداماتی نظیر لایروبی و ممانعت از شکار پرندگان در تالاب و تخریب متن تالاب، کارهای روتین سازمان محیط زیست است؛ اما وقتی سد کرخه ساخته می شود و هفت میلیارد آب رودخانه کرخه ذخیره شده و آبی به سمت تالاب حوزالعظیم جاری نمی شود، دیگر سازمان محیط زیست در هورالعظیم چه کار می تواند بکند؟ و یا وقتی بالادست تالابها، فعل و انفعالات اقتصادی اجتماعی رخ می دهد و منابع تغذیه کننده و مساحت آنها کاهش می یابد، سازمان حفاظت محیط زیست عملاً و قانوناً نمی تواند کاری انجام دهد.

### تالاب گاوخونی

برای نجات تالابها، کار اساسی باید با عزم ملی و مشارکت همه نهادها و بویژه توسط مردم محلی ای صورت گیرد که در بالادست تالابها زندگی می کنند.

## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

باشد. هر کسی باید نقش خودش را در این زمینه ایفا کند. طبیعتاً این امر باید از بالادست یعنی از مراجع تولید فرهنگ شروع می‌شود. صدا و سیما، آموزش و پرورش، مطبوعات و... همه باید در این امر مشارکت کنند. در ادبیات عمومی کشور ما، مفاهیمی مثل محیط زیست، حفاظت از محیط زیست، اکوسیستم با ارزش و... تقریباً وجود ندارد. اگر گفتمان‌های سیاسی- فرهنگی رایج در جامعه ایران تجزیه و تحلیل شوند، بخوبی می‌بینیم که اصطلاحاتی نظیر «محیط زیست» به اندازه ناچیزی در این گفتمان‌ها وجود دارند. این نشان می‌دهد که این اصطلاحات برای مراجع نقش‌آفرین هم خیلی جا افتاده نیست.

بنابراین تغییر ذهنیت عمومی و ترویج مفاهیم و آموزش‌های لازم از طریق ابزارهای فرهنگی موثر، زمینه ساز حفظ تالاب‌های ایران است. لازمه این امور، تحقیق و شناخت و نمایش فجایع محیط زیستی ایران و سایر کشورهاست.

در فوکوشیما انفجاری در نیروگاهی هسته‌ای رخ داد و آلمان نیروگاه‌های اتمی‌اش را تعطیل کرد. این یعنی درس گرفتن از فجایع رخ داده در سایر نقاط جهان و غنی شدن فرهنگ عمومی یک کشور در اثر مشاهده تجربه نامطلوب کشوری دیگر. در ایران هم باید چنین رویه‌ای وجود داشته باشد. متأسفانه ما زیاد اهل عبرت گرفتن نیستیم.

دارد با اینکه بالادست تالاب را نشان دهیم و اینکه مردم چه می‌کنند که به تالاب‌ها لطمه می‌خورد و چه کار باید بکنند که تالاب خراب نشود. آموزش و مشارکت مردم و نهادهای، در این زمینه خیلی موثر است.

### مردم دقیقاً باید چه کار کنند؟

مردم تا وقتی که نسبت به یک موضوع آگاهی نداشته باشند، کاری نمی‌توانند بکنند. مردم مشغول زندگی خودشان هستند. یک زارع تا زمانی که نداند زراعت او چه تاثیر منفی‌ای بر روی تالاب پایین دستش می‌گذارد و چگونه باید مانع از تخریب تالاب شود، طبیعتاً کار چندانی نمی‌تواند بکند و انتظاری هم نمیتوان از او داشت. باید تلاش و آموزش عمومی صورت گیرد.

در قدیم فرهنگی عمومی در روستاهای ما وجود داشت که به زارع می‌گفت تو حق نداری رودخانه را خشکه بند کنی؛ برای اینکه زارع پایین دستی تو هم حق استفاده از آب این رودخانه را دارد. یعنی تو به اندازه‌ای آب از رودخانه بردار که زارع پایین دستی تو بی‌آب نماند. اصلاً خشکه بند کردن آب، ضد ارزش بود. این فرهنگ عمومی درباره تالاب‌ها مبنای عمل واقع نشد. یعنی این دیدگاه ترویج نشد که در پایین دست زراعت ما، منبعی وجود دارد که حفاظت از آن، لازمه ادامه حیات همه ماست. در چنین شرایطی، کسی نمیداند چگونه باید از محیط زندگی‌اش حفاظت کند؛ حداکثر جلوی خانه خودش را تمیز می‌کند و دیگر کاری ندارد که این زباله به کجا می‌رود؛ چون کسی در این زمینه چیزی به او نیاموخته است. حفاظت از تالاب‌ها باید دغدغه‌ای ملی



مرور این منابع در حال نابودی است. کشور ما سالانه ۴۰ تن در هکتار خاک از دست می‌دهد. سالانه یک و نیم درصد جنگل‌های شمال نابود می‌شود و تنها ۱۲ میلیون هکتار از جنگل‌های شمال باقی مانده است. جنگل‌های زاگرس نیز در حال نابودی است و آنها را نیز از دست می‌دهیم. جنگل‌های زاگرس به تنهایی یک سوم آب شبه قاره ایران را تامین می‌کند. وقتی جنگل‌های بلوط از بین برود، خاک فرسایش پیدا می‌کند و در نتیجه آب در اختیار سفره‌های زیر زمینی قرار نمی‌گیرد. ما بزودی با بحران جدی آب در شهرهای بزرگ کشور روبرو خواهیم شد. از بین رفتن آب، خاک و جنگل همراه با آلودگی محیط‌زیست در کنار افزایش جمعیت یعنی مرگ طبیعت و زندگی.

**عده‌ای تصور می‌کنند توسعه و پیشرفت یعنی استفاده از گاز، نفت و قربانی کردن همه منابع کشور. دولت‌ها فقط می‌خواهند گلیم خود را از آب بیرون بکشند و به فکر آینده نیستند.**

علت مشکلات محیط‌زیست ما اینست که ما تابع توسعه نیم بند هستیم و به توسعه پایدار بی توجه هستیم. وقتی رئیس دولت می‌گوید محیط‌زیست مانع پیشرفت و ترقی است، دیگر چه انتظاری می‌توان داشت؟ عده‌ای در کشور تصور می‌کنند توسعه و پیشرفت یعنی استفاده از گاز، نفت و قربانی کردن همه منابع کشور.

ما در خلیج نایبند، اولین پارک دریایی ایران اجازه می‌دهیم نفت و گاز استخراج بشود. در پارک ملی کویر اجازه استخراج نفت می‌دهیم. در پارک ملی بمو

### گفتگو با دکتر اسماعیل کهرم

انجمن علمی دانشجویی گروه احیاء مناطق خشک و کوهستانی دانشگاه تهران گفتگویی با دکتر اسماعیل کهرم در مورد خاک و حفاظت از آن انجام داده است که متن آن در پی آمده است.

#### مهمترین مشکل محیط‌زیست ما نابودی خاک است.

مهمترین مشکلی که در حال حاضر گریبان محیط‌زیست ما را گرفته نابودی خاک است. خاک مهم‌ترین منبع طبیعی است که در ایران از دست می‌دهیم. ما جنگل‌ها را از بین می‌بریم و در اثر جنگل زدایی، خاک فرسایش پیدا می‌کند و از بین می‌رود.



وقتی جنگل و خاک از بین برود در نتیجه آب هم از بین خواهد رفت زیرا وقتی خاک از بین برود، آب وارد سفره‌های زیرزمینی نمی‌شود. شهرهای بزرگ ما با بی‌آبی مواجه هستند و مثلاً در تهران در ۱۰ سال آینده آب نخواهیم داشت چون نیمی از آب تهران از منابع و سفره‌های آب زیر زمینی تامین می‌شود و به

**نقطه پایان بی توجهی به محیط زیست  
فقر مفرط است**

نقطه پایان بی توجهی به محیط زیست، فقر روز افزون است. از بین رفتن خاک، آب، جنگل و آلودگی محیط زیست سرانجامی جز فقر برای کشور ندارد. اخیراً رئیس دولت گفته باید در شرایط تحریم فعلی رو بیاوریم به جنگل‌ها و دام‌ها را وارد جنگل‌ها کنیم! در حالیکه این حرف برخلاف همه موازین علمی و کارشناسی است. در حال حاضر بیش از ۴ برابر ظرفیت مراتع در کشور دام داریم. اگر خاک از بین برود همه چیز از بین می‌رود. خاک را که دیگر نمی‌شود از خارج از کشور وارد کرد.

کشورهای صنعتی برای رسیدن به توسعه صنعتی هزینه‌های گزافی پرداخته‌اند. برای مثال نسل کبوتر مسافر در امریکا منقرض شد. ولی آنها از آنچه بر سرشان آمدند پند گرفتند و در رفتارشان تجدید نظر کردند. ما باید از مشکلات آنها پند بگیریم و راه توسعه را بر اساس توسعه پایدار طی کنیم.

این استدلال غلطی است که بگوییم تذکرات کشورهای صنعتی به این خاطر است که می‌خواهند مانع پیشرفت ما شوند، با توسعه ناپایدار به جایی نخواهیم رسید. محیط زیست همچون یک قایق می‌ماند که هر کس اگر آنرا سوراخ کند باعث غرق شدن و نابودی همه سرنشینان قایق می‌شود.

کشور پاکستان از زمانی که از هندوستان جدا شد سطح جنگل‌های خود را دو برابر کرد یعنی جنگل‌های پاکستان از ۵ میلیون هکتار به ۱۱ میلیون هکتار

در شیراز ۱۰۰ هکتار از جنوب و ۱۰۰ هکتار از شمال آنرا را برای صنعت نفت می‌بخشیم. ۶۷۰ هکتار از پارک ملی کلاه قاضی را برای خانه سازی می‌بخشیم. در دل جنگل‌های زیبای ناهار خوران استان گرگان که سه میلیون سال قدمت دارد موزه جنگ احداث می‌کنیم. در یک کلام به منابع طبیعی ارزش نمی‌دهیم و دنبال روزمزی هستیم. صنایع ما صنایع پایدار نیستند، روش‌های ما روش‌های پایدار نیستند. دولت‌ها فقط می‌خواهند گلیم خود را از آب بیرون بکشند و فقط جلوی بینی خود را می‌بینند و به فکر آینده نیستند و در نتیجه تصمیمات پایدار نیست. به حدی آب‌های زیر زمینی را استخراج کرده ایم که تمام دشت‌های ما از یک تا ده متر فرو نشسته‌اند.



وقتی به مردم آموزش نداده ایم نباید انتظار داشته باشیم به محیط زیست توجه کنند برای حفظ محیط زیست باید به مردم آموزش بدهیم. حدود بیست شبکه تلویزیونی داریم ولی هیچکدام به محیط زیست اهمیت نمی‌دهد. چقدر آموزش زیست محیطی در مورد هوا، خاک، آب و جنگل داده شده است؟ وقتی به مردم آموزش نداده ایم نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که در جهت حفظ محیط زیست عمل کنند.

رسید و این در حالیست که ما در همین زمان سطح جنگل هایمان را نصف کرده ایم.

### در بسیاری کشورها سدها را تخریب می کنند ولی ما هنوز به دنبال رکورد ارتفاع تاج هستیم.

خشک شدن دریاچه ارومیه زندگی ۷ تا ۱۲ میلیون انسان را تحت الشعاع قرار می دهد. در خصوص سدسازی مهم این است که سد کجا؟ چطور؟ و با چه کیفیتی؟ ساخته شود. در ارومیه پیش بینی شده بود ۷۲ سد ساخته شود. از ۷۲ سد، ۴۰ سد ساخته شده است که در پشت ۳۶ تای آنها آب هست. این سدها دریاچه را از ۵/۵ میلیارد مترمکعب آب محروم کرد. شوری ماجرا بحدی بود که وزارت نیرو مانع احداث ۴ سد دیگر شد. رودخانه های مشروب کننده دریاچه ارومیه ظرفیت احداث این ۴۰ سد را نداشتند و به همین خاطر دریاچه ارومیه خشک شد در صورتیکه وجود دریاچه از هزاران سد بهتر بود.



در اثر این سد سازی ها مساحت زمین های کشاورزی از ۳۵۰ هزار هکتار به ۷۵۰ هزار هکتار افزایش پیدا کرد، و تعداد چاه های عمیق و نیمه عمیق به ۲۲ هزار رسید. از دیگر سو با خشک شدن دریاچه ارومیه آب این چاه ها شور و تلخ شد و در نتیجه برای کشاورزی هم دیگر آب کافی وجود ندارد. دریاچه ارومیه سالانه حدود ۷ میلیارد متر مکعب آب دریافت می کرد که ۱/۵ میلیارد متر مربع آن از طریق بارش، حدود نیم میلیارد متر مکعب از طریق چشمه ساران و حدود ۵ تا ۵/۵ میلیارد متر مکعب آن از طریق رودخانه ها بود. در اثر خشک شدن دریاچه ارومیه زندگی ۷ تا ۱۲ میلیون انسان تحت تاثیر قرار می گیرد و بزودی در اثر باد، دانه های نمک پراکنده خواهد شد و زندگی مردم، زمین های کشاورزی و دامها از بین خواهند رفت.

در حال حاضر در بسیاری از کشورها سدها را نابود می کنند. امریکا و آلمان برخی سدهایشان را نابود کرده اند، چین از احداث سد روی یانگ تسه منصرف شد، ترکیه سد با ارتفاع بالای ۱۰ متر نمی سازد ولی ما یکباره سد کرخه با ارتفاع تاج ۱۸۰ متر را می سازیم، این نشان می دهد پند نگرفته ایم و هنوز به دنبال رکورد هستیم. سد سیوند باعث خشکی تالاب تشک و نهریز شد و بختگان را با ۴۰۰ هزار هکتار وسعت نابود کرد ولی ما همچنان بدون مطالعه و ارزیابی زیست محیطی می خواهیم در دنیا رکوردشکن باشیم.



## ابتکاری جهانی برای آینده مناطق خشک

کند. همان کاری که در اروپا و امریکا انجام دادند و طبیعت خود را بازسازی کردند.

اگر زاینده رود و گاوخونی را به حال خود رها کنیم هیچگاه برنخواهد گشت ولی باید کمک کنیم تا این طبیعت و زیبایی از دست رفته دوباره برگردد. کشور ما جزو ۵ کشور اول دنیا از نظر اکوتوریسم است و با تکیه بر طبیعت چهار فصل ایران و بازسازی و کمک به طبیعت می‌توان درآمد بسیار خوبی را عاید کشور کرد و از شر بسیاری از صنایع ناپایدار و آلوده کننده راحت شویم. من جزو کسانی هستم که همچنان امیدوارم که بر سر عقل بیاییم، دست از تخریب محیط‌زیست و توسعه ناپایدار برداریم، به طبیعت خود کمک کنیم و کاری کنیم که فرزندان ما در شرایط بهتری زندگی کنند.



### مخالف مسلح بودن محیط بانان هستیم، ۱۲ محیط بان محکوم به اعدام داریم.

در خصوص وضعیت محیط بان‌های کشور باید عرض کنم شدیداً مخالف مسلح بودن محیط‌بانان هستیم. پلیس انگلستان مسلح نیست چون تحقیقات نشان داده حمل سلاح می‌تواند تحریک‌آمیز باشد. ما محیط‌بانان را مسلح می‌کنیم و حال اگر این محیط بان متخلفی را بکشد به اعدام محکوم می‌شود، اگر هم نکشد ممکن است توسط شکارچیان کشته شود یعنی محیط بان را در شرایط باخت باخت قرار داده ایم. تا وقتی چنین باشد بهتر است که محیط بانان مسلح نباشند. در حال حاضر ۱۲ محیط بان محکوم به اعدام در سراسر کشور داریم که مشخص نیست در نهایت چه سرنوشتی در انتظار آنهاست. باید قوانین را به شکلی اصلاح کنیم که محیط بانان مصونیت داشته باشند تا بخوبی بتوانند با متخلفان برخورد کنند، همانطوریکه پلیس می‌تواند با هر متخلفی برخورد کند.

### طبیعت قابلیت بازسازی دارد به شرطی که بخواهیم و بر سر عقل بیاییم.

طبیعت این پتانسیل را دارد که خود را ترمیم کند ولی به شرطی که میزان تخریب محیط‌زیست از حد نگذرد و در عین کمک شود که طبیعت خود را احیاء

## Drynet Newsletter Issue 5 June 2013

### A Global Initiative Giving Future to Drylands

#### Content

##### Global News

- COP11 of UNCCD, Namibia, September 2013
- International Year of Water Cooperation
- Canada's withdraw from the Convention
- Annual Meeting of Drynet Partners, Istanbul, Turkey
- Three important events of UNCCD, CRIC11, CSTs-3 and 2<sup>nd</sup> Scientific Conf.
- Drynet intervention in CRIC11 and 2<sup>nd</sup> Scientific Conf.

##### National/ Regional News

- Sub-Regional NAP Alignment Workshop (Northeast, Southeast and South Asia) Tehran, Iran
- 5th Meeting of "National Committee to Combat Desertification (NCCD)
- Training Workshop, Participatory Techniques and Facilitation
- Announcement of Establishment – UNICAMEL in Iran
- World Day to Combat Desertification

##### Reports & Articles

- Necessity of NAP Alignment to 10 Year Strategic Plan of UNCCD

- Islamic Republic of Iran and NAP Alignment Process
- 1<sup>st</sup> Participatory Capacity Building Workshop in NAP Alignment Process
- Zero Net Land Degradation
- Debate among Government & Non-Government Organisations: Challenges of Natural Resources in Iran
- Geo-engineering; Opportunity or Threat?
- Environmental Conventions
- Wetlands at Risk: Death or Rehabilitation- Interview with Dr. Alireza Hamedi
- Environmental Circles in Iran, Interview with Dr. Ismael Kahrom,

#### Centre for Sustainable Development

108 Azerbaijan Avenue  
13169 Tehran, Iran

Tel : +98 21 66 452 741

Fax: +98 21 66 400 811

[www.cenesta.org](http://www.cenesta.org)

Cenesta



**D**am building has created changes in Bakhtiari tribal wintering grounds, Khuzestan Province. The nomads have adapted to the new situation affecting their natural resources. They are here seen with their herds using the dam base as a watering point. Neither a proper environmental or social impact assessment was carried out, nor were the Bakhtiari consulted regarding their free prior and informed consent (FPIC), required under the country's national and international legal obligations, including the United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples.



**سد** سازی‌های اخیر موجب بوجود آمدن تغییرات زیادی در مناطق قشلاقی قلمروی عشایری ایل بختیاری در استان خوزستان شده است. عشایر کوچرو در هر صورت خود را با شرایط جدید و نحوه استفاده از منابع طبیعی موجود انطباق داده‌اند. عکس حاضر نشان‌دهنده این موضوع است که عشایر منطقه از سد برای سیراب کردن دام‌های خود در طول مسیر استفاده می‌نمایند. در این راستا تا به حال هیچ‌گونه ارزیابی دقیق محیط زیستی و اجتماعی از پیامدهای اجرای پروژه‌های عمرانی صورت نگرفته است. در این مورد مشورت و جلب رضایت آزادانه و آگاهانه عشایر ایل بختیاری به عنوان بهره‌برداران اصلی در حیطه الزامات حقوقی قوانین ملی و بین‌المللی از جمله بیانیه حقوق جوامع بومی و محلی سازمان ملل متحد، نادیده گرفته شده است.



# News from **DRYNET**

Issue **5**, June **2013**

**A Global Initiative Giving Future to Drylands**



**Cenesta**  
Centre for Sustainable Development



**drynet**